

بیاید بنده عرض میکنم عمده وظیفه مجلس شورای ملی نظارت در مالیه مملکت است ولو يك شاهى باشد باید خیلی دقت بکنید که تفریط نشود اجاره دکا کین سبزه میدان نباشد تصور بفرمائید که يك دکان کوچکی در سبزه میدان میخواهد دولت بفروشد این باید بتصویب مجلس باشد و چیزی هم که فروخته میشود باید با اجازه مجلس باشد و این هیچ شکى نیست که فروش است نه اجاره والحمدالله که بمجلس هم آمده است و استجازه کرده اند از مجلس در این اشکال نیست ولی اشکال در آن است که بنده عرایض سابقم را عرض می کنم امر دائر است بین اینکه فروخته شود حقوقیکه دولت دارد یعنی حقوقیکه از محصولات دارد مباشرین یا يك کمپانی یا اینکه دولت حقوق خود را از سکنه خالصات بتوسط مأمورین خود بگیرد بنده عقیده ام این است که این دویمی بهتر است برای اینکه دویمی هم حقوق نفوسی و مالی و عرض و سکنه محفوظ خواهد ماند بعلمت اینکه هر يك از اینها البته شرف دارند بهر کدام از اینها يك سبیلی بزنند یا چوب بزنند فحش بدهند عرض آنها را برده اند و همه شما ها شنیده اید که کمپانی در این چند ماه چه ها کرده اند آنها هم البته مثل شما هستند شما هم مثل آنها هیچ فرق ندارید چنانچه بهر يك از شما فحش دادند و در ظاهر بزرگتر از شما هم باشند از حیث مالیه و غیره البته بعزت و شرف شما بر می خورد پس باید شرف آنها محفوظ باشد پس باین جهاتی که عرض کردم بنده هیچ تصدیق و تصویب نمیکنم این خالصه بکمپانیها اجاره داده شود دولت باید این حقوق را بتوسط مأمورین خود از سکنه خالصات بگیرد و اداره کند آنچه گفته میشود در مقابل اظهارات بنده البته آقای معاون وزارت مالیه اظهار نکردند و تصدیق نکردند ولی بعضی از نمایندگان اظهار کردند که دولت مقتدر نیست یعنی نمیتواند که چهارصد پارچه ده را اداره بکند دولت و وزارت مالیه مملکت ایران تمام مالیه مملکت ایران را میخواهد اداره کند دوره دوره بیگانگان بوده است و تا حال که آن دوره دوره بیگانگان بوده است از اینجهت اختلال بوده تمام مملکت را از امروز اداره کنند نه چند پارچه ده اگر دهات مختصری را نتواند اداره کند چطور تمام ایران را میخواهد اداره کنند این هیچ منطقی نیست پس از همان جهاتی که عرض کردم بنده تصویب نمیکنم که به کمپانی اجاره داده شود .

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد (گفتند کافی است)

رئیس - رأی میگیریم بکلیه این لایحه وزارت مالیه که شامل سه ماده است از طرف کمیسیون پیشنهاد شده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد - آقای معاون مالیه اظهاری داشتید .

معاون مالیه - لایحه که از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شده بود راجع بدو فقره بود یکی راجع بقرارداد جدید کمپانی و یکی راجع بخسارت کمپانی و اینطور تقاضا شده بود از طرف وزارت مالیه و اگر قرارداد آنها را تصویب نفرمودند بقراری در باب خسارت آنها بدهند مسئله قرارداد

که راجع بکمیسیون قوانین مالیه بود راپورتش را بمجلس تقدیم کرد و از مجلس گذشت و آن کمپانی منحل شد یعنی مجلس آن را قبول نکرد فقط میماند مسئله خسارت که رجوع شده است بکمیسیون بودجه و وزارت مالیه تقاضا میکنند که زودتر راپورت او را بمجلس بدهد تا اینکه مالیه تکلیف خودش را با اعضاء کمپانی بداند و صورت مفصلی هم داده اند بمالیه مشغول تفتیش است بیک صورت صحیحی هم تقدیم کمیسیون خواهد گردید .

مخبر کمیسیون بودجه - لایحه کمپانی خالصه که در خصوص خسارت پیشنهاد شد در کمیسیون مطرح شد ولی لایحه طوری نبود کمیسیون بتواند داخل مذاکره بشود بجهت اینکه وزارت مالیه تصدیقی در این خسارت نکرده بود فقط يك کمیسیونی در وزارت مالیه تشکیل شده با کمپانی خالصه بعضی مواد نوشته اند و در آن کمیسیون بعضی راپورتها داده است و بعضی مواد را هم موکول کرده است بنظر وزیر مالیه در آن لایحه معلوم نبود در کمیسیون این طور مذاکره شد که وزیر مالیه عقیده قطعی خودش را در باب خسارت بمجلس پیشنهاد بکنند تا آن وقت کمیسیون بودجه داخل مذاکره شود .

معاون مالیه - اظهاراتی را که کمپانی خالصه در این باب کرده بود در وزارت مالیه رسیدگی شده نهایت وزارت مالیه باید در دفتر آنها پاره تفتیشات بعمل بیاورد که مالیه بتواند بعد از آن صحت و سقم اظهار آنها را بمجلس پیشنهاد نماید و وزارت مالیه مشغول تفتیش است بعد از آنکه تفتیش او کامل شد راپورت آن را بمجلس میدهد ولی تقاضائی که هست این است بعد از آنی که بمجلس آمد زودتر بگذرد .

رئیس - تقاضائی است از چند نفر نمایندگان راجع باین که عمده جلسات در هفته دو جلسه باشد قرائت میشود بدون مذاکره رأی میگیریم (تقاضای مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) ما امضاء کنندگان نظر بگرمی هوا تقاضا مینمائیم از اول سرطان تا آخر اسد جلسات مجلس را دو روز در هفته مقرر فرمائید که سه شنبه و پنجشنبه باشد امضاء (۲۰) نفر نمایندگان .

رئیس - در این تقاضا اول رأی بعد جلسات میگیریم آقایانی که تصویب میکنند جلسات مجلس در هفته دوروز باشد قیام نمایند (عمده معدودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - بعضی از اعضاء کمیسیون نظامنامه انتخابات شکایت میکنند که بعضی از اعضاء حاضر نمیشوند و از این جهت کار کمیسیون نمیگذرد و معوق مانده است و از قرار معلوم چون در بعضی از مواد نظام نامه موافقت پیدا نشده و اکثریتی حاصل نمیشود اینست که نمیتوانند راپورت بدهند متذکر میکنم آقایان را که لازم نیست همیشه در يك مطلبی اکثریت شود ممکن است که راپورت بدهند و آن مطلب را رجوع کنند بمجلس که بیش از این مطلب بعهدہ تعویق نیفتد دیگر اینکه کمیسیون داخله شکایت میکند که رئیس کمیسیون اغلب حاضر نمیشود نایب رئیس هم ندارند اینست که اغلب عمده برای مذاکرات کافی نمیشود آن شخصیکه رئیس است اگر نمیتواند حاضر شود خوب است یا از

ریاست یا از عضویت استعفا بدهد . دستور جلسه پنجشنبه بقیه قانون تفرقه تلگرافی شور اول قانون جنگلها - طرح قانونی - عز الملك راجع بدم استخدام نمایندگان بشغل دولتی - راپورت کمیسیون بودجه - راجع بوراث سید حسن و میرزا اسمعیل مجاهد مخالفی نیست ؟ (مخالفی نبود) (مجلس يك ربع بعد از ظهر ختم شد) .

جلسه ۲۶۳

صورت مذاکرات روز پنجشنبه ۲۴ جمادى الثانيه ۱۳۲۶

مجلس سه ساعت و ربع در تحت ریاست آقای آقا میرزا مرتضی قلیخان نایب رئیس افتتاح و سه ساعت قبل از ظهر رسماً تشکیل گردید . صورت مجلس قبل قرائت گردید (غائبین جلسه قبل) .

بدون اجازه - ناصر الاسلام با اجازه بهجت - حاج شیخ الرئیس - حاج امام جمعه آقایانی که ار وقت مقرره تأخیر نموده اند - نجم آبادی - آقاسید محمد باقر ادیب

نایب رئیس - ملاحظاتی هست ؟

ادیب التجار - در خصوص سئوالات ابتداء بنده عنوان کردم که اغلب این سئوالات را شش و هفت ماه است داده ام بهیئت رئیسه و بر کرده اند یا هیئت دولت حاضر نشده اند و جوابهای بنده را نداده اند این مطلب در صورت مجلس قید نشده و لازم بوده است قید شود و مطلب دیگری که فراموش شده سئوال دوازدهم است در باب جنس دولتی از قلم افتاده است بنده سئوال کردم که جنس دولتی امسال چقدر است و تسعیر میشود یا نمیشود جواب دادند و این سئوال نوشته نشده است .

نایب رئیس - این مطلب ثانی نوشته میشود ولی مطلب اول را نمیشود نوشت بجهت اینکه هر مذاکره که در مجلس در ضمن سئوال میشود نباید همه را نوشت .

ادیب التجار - این کلی است و از قلم افتاده است .

نایب رئیس - چهار فقره راپورت از کمیسیون تفسیر رسیده است دو فقره راجع بنظام يك فقره راجع بتمم قانون اساسی در باب اجاره و استجاره و يك فقره در باب وظایف طبع و توزیع و جزء دستور میشود - آقای منتصر السلطان راپورتی داشتید ؟

منتصر السلطان - راپورتی است برای استحضار خاطر آقایان قرائت میکنم (راپورت مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) :

تقریباً از دو ماه قبل کمیسیون عرایض مصمم بود که خاطر محترم آقایان نمایندگان را از بعضی اوضاع ناگوار مملکت و رفتار بعضی حکام باهالی بموجب عریضه جاتی که بمجلس مقدس تقدیم شده و میشود مسبق نماید تا اینکه بواسطه کثرت شکایات لزوماً کمیسیون عرایض خود را مکلف میدانند بتقدیم این راپورت یکی از امورات مهمه وضع ناگوار مازندران است و سایر مسائل مربوطه بان جا که حاجت بشرح وتفصیل نیست

و اگر بزودی از طرف دولت فکری برای آن ناحیه شود ممکن است زحمات فوق العاده توایند کند دوم وضع رفتار حکام نسبت باهالی فقط در این خصوص ناعت بکاشان و گروس می نماید بطوری شکایات متواتره از حاجی علی رضاخان و امیر معزز رسیده و میرسد که وقت کمیسیون عرایض را مستغرق مینماید کمیسیون عرایض بموجب وثیقه که دارد مطالب را بوزارت خانها رجوع و اصلاح آنها خواستار میشود ولی از طرف وزات خانها جوابی که بتوان امیدوار بود کمتر میرسد چنانچه بهمین سوال وزارت خانها معمول فرمایند خاطر محترم آقایان را مسبوق مینماید که وجود کمیسیون عرایض لغو و باید یک فکر اساسی در این خصوص مجلس مقدس بنماید

نایب رئیس - چند نفر از آقایان اعضاء کمیسیون استعفاء داده اند انتظام الحکماء از کمیسیون داخله آقامیرزا رضا خان از کمیسیون فوائد عامه این دونفر را در جلسه آتیه باید انتخاب کنیم - آقای ذکاء الملک هم چون در سه کمیسیون انتخاب شده اند و باید از یکی استعفا بدهند از کمیسیون بودجه استعفاء داده اند از همان شعبه که خودشان انتخاب شده اند و ریاست هم دارند خوبست بکنفر بجای خودشان انتخاب بکنند - دستور امروز بقیه شور در قانون تعرفه تلگراف - شور اول قانون جنگلها - طرح آقای عز الملک راجع بعدم استخدام شغل دولتی نسبت بنمایندگان - راپورت کمیسیون بودجه راجع بوراث دو نفر مجاهد در بقیه قانون تعرفه تلگرافی مذاکره میشود راپورت کمیسیون فوائد عامه قرائت میشود (راپورت مزبور عبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۰ - از راپورت کمیسیون ۱۷ جمادی الاخری کمیسیون فوائد عامه که بکمیسیون ارجاع شده بود بایشنهاده آقای اردبیلی در کمیسیون فوائد عامه با حضور معاون پست و تلگراف بتاريخ دوشنبه ۲۱ مطرح مذاکره گردید بادلایلی که معاون پست و تلگراف اظهار داشتند کمیسیون با کثرت آراء پیشنهاد آقای اردبیلی را رد کرد عین راپورت ۱۷ جمادی الاخری را بمجلس عودت میدهد (مخبر کمیسیون افتخار الواعظین)

نایب رئیس - مخالفی در اینباب نیست؟
آقای سید حسین اردبیلی - در موقعیکه اینماده شور شد عرض کردم که این اسباب این میشود که در همه جا اجزاء تلگرافخانه اظهار خواهند کرد که این آدرس کافی نیست و بطرف مقابل نمیرسد باید واضحتر بنویسند و دور نیست که هر قدر هم معین کنند محل و شغل و کوچه را بنویسند باز هم بگویند که واضح نیست بهانه اینکه مثلا شغل اشتراک دارد یا جهات دیگر و یک مطلبی را که ممکن است یکروزه جواب بدهند بهمین بهانه ۱۵ روز جواب ندهند و اسباب اختلاف خواهد شد بنده باین ملاحظه عرض کردم که این فقط در یک موردی مستثنا باشد که طرف مقابل معروف باشد ممکن است که بفرمایند که در تلگرافخانه معروفیت محلی معلوم نمی شود عرض میکنم همینقدر که مخبره کننده خودش اطمینان پیدا می کنید که این تلگراف من خواهد رسید تلگرافچی باید مطمئن و قانع باشد بجهت اینکه

تلگراف برای کار مهم و ضروری است و مخبره کننده ناچار است که عنوان مخاطب خود را طوری بنویسد که از رسیدن آن مطمئن باشد و مجبور است که بقدر کفایت آدرس بنویسد و در موقعی که معروفیت داشته باشد طرف او بآدرس مختصر کفایت میکند و همان قدر که او نوشته است نباید تلگراف خانه ایراد و اصرار کند که این مخبره شما کافی نیست و بمقصد نخواهد رسید و از میان خواهد رفت و حال آنکه آن شخص عنوان آدرس را بطور وضوح نوشته باشد حالا این اسباب اشکال در نظر بنده بوده که آن اصلاح را پیشنهاد کردم و قابل توجه هم شد و گویا همین ملاحظات در نظر آقایان بوده که با کثرت رأی دادند حالا آقای معاوی اگر دلیل دیگری پیدا کرده اند که شاید آقایان متقاعد شوند بفرمایند تا متقاعد شویم.

معاون پست و تلگراف - اول باید دانست موضوع این ماده که اینجا نوشته شده است از برای چه بوده است این محقق است که گوینده تلگراف باید طرف خودش را بطور وضوح معین کند این محتاج بنوشتن نبود این که نوشته شده است از برای ماده بعد است چون خواستند بگویند که گوینده مطلب میتواند طرف مقابل خودش را بیک اسم مختصری بیان کند و مطلب خودش را بگوید سالی یک مبلغی بدهد همان طوریکه این ماده گذشت برای این که آن ماده که نوشته شد لازم بوده که این ماده را هم بنویسند که گوینده مطلب باید اسم طرف مقابل را بطور وضوح معین کند و الا اداره تلگراف از یک نقطه نظر دیگری که تصور بفرمایند همان طوریکه تمام تجار حاضرند که متاع خودشان را بطور سهولت بفروشند اداره تلگراف هم باید سهولت کار را معین کند و بهر نحوی که هست مطالب مردم را بکمال سهولت برساند بعضی مطالب دیگر هست که اینجا ننوشته است که حالا هم معمول است مثلا مطالب تلگرافی که میرسد بیک محلی اگر چنانچه صاحب مطلب بمحل دیگر رفته باشد خیلی سعی دارد اداره تلگراف که مطالب را باو برساند و در این ماده آن چه نوشته اند اینست که گوینده مطلب باید طرف مقابل خود و محل و مکان او را بطور وضوح معین بکند چنانچه آقای ارباب آن روز پیشنهادی فرمودند مکان را برداشتند و همین طور باید عنوان طرف مقابل را بطور وضوح معین نمایند اما این که فرمودید که طرف مقابل در صورت معروفیت توضیح لزوم ندارد پیشنهاد فرمودند دلیلی که در کمیسیون بنده اقامه کرده ام که آقایان متقاعد شدند فقط این بود که گوینده مطلب در صورتیکه طرف خودش را محتاج نداند بطور وضوح میخواهم به بینم که این محتاج نبودن در پیش کی است و از نقطه نظر کیست میخواهم بدانم که آیا ممکن هست که بنده بطرف خود که تلگراف میکنم پیش بنده آن عنوان واضح است و آن شخص معروف است اما پیش اداره تلگراف که این واضح نیست باید آن را معین کرد که بعد از اینکه این مطلب را گفت و طرف در اینجا نبود اداره تلگراف آن مسئولیت را نمیتواند قبول بکند چنانچه در نظامنامه موادی دارد که اداره تلگراف خانه مطلبی را که نرساند باید از عهده قیمت دو برابر او برآید پس این مطلب که در اینجا نگذرد که

طرف مقابل را بطور وضوح معین بکنند اداره تلگراف چنانچه در نظامنامه خودش مینویسد اگر نتوانست مطلب را برساند برای این که گوینده مطلب طرف مقابل را بطور وضوح معین نکرده است از آن خسارت معاف باشد پس ناچار است که این ماده را در اینجا بنویسد که مسئول نباشد و الا اساساً اداره تلگراف معنیش این است که مطلب تلگرافی را بهر نحوی که هست از برای رواج کار خودش برساند پس این ماده را از دو نقطه نظر بوده یکی از برای آن ماده بوده که تخفیف بدهد بمطالب که گوینده مخاطب خودش را بیک کلمه بتواند بگوید و سالی سه تومان بدهد این یکی و یکی دیگر اینکه در نظامنامه خودش بنویسد که اگر گوینده تلگراف طرف خود را بطور وضوح معین نکرد از این جریمه که اگر آن مطالب را نرساند دو مقابل وجه آن را بصاحبش رد کند معاف باشد.

محمد هاشم میرزا - آنقدر اشکال تراشی بجهت این ماده قانونی که میخواهد بگذرد خواهد شد که تلگراف کنندگان از تلگراف کردن خودشان بشیمان خواهند شد بجهت این که آن ملاحظه بفرمائید که کسی که تلگراف فوری یا رسمی میکند پول میدهد لا بدیک کار مهمی دارد که تلگراف بطرف مقابل خود میکند بیکار نیست که پول مفت بدهد و بی موقع تلگراف بکند ملاحظه بفرمائید که شصت سال قبل تلگراف در ایران دایر شده است شاید یک اتفاق نیفتاده باشد که اسم مشترک باشد یا چیز هادی دیگر که بطور وضوح بنویسند برای اینکه تلگراف معطل نشود و الا اغلب تلگرافها که رسیده است این مسلم است اگر بیک کسی معروف خواهند تلگراف بکنند آن تلگراف با عنوان خیلی وضوحی نوشته نمیشود و الا اگر دید که اسم مشترک است البته بنویسند فلان محل فلان کاروانسرا الان هم معمول است که تلگراف میکنند برای آنکه تلگرافشان برسد بنویسند سنگلج سرتخت فلان محل اسم فلانکس و الا مردم پول بیخود که نمیدهند البته میل دارند که پول بدهند و تلگرافشان برسد خودشان هم بطور وضوح تلگراف میکنند حالا محض اینکه خواهند بطور وضوح باشد که این جور اتفاقات نیفتد اسباب معطلی اجزاء تلگرافخانه نشود این بطور وضوح را در قانون زیاد کردند ولی همینقدر پیشنهادی که آقای اردبیلی کردند این بود - که اگر معروف نباشد باید بطور وضوح نوشت این خیلی خیلی خوب پیشنهادیست مگر یک دلیل معین باشد بررد پیشنهاد و الا این یک قاعده کلی شده است که هر پیشنهادی که بکمیسیون فوائد عامه میرود می بینیم قبول نمیشود گویا این قاعده کلی جاری بوده است و برای این است که تمامش ملاحظه طهران را میفرمایند و اداره اینجا که اسامی مشترک زیاد است و حال آنکه یک حسن و یک محمد اسم را تلگراف بکنند در یک خانوار فقط یک حسن است و یک محمد فقط بمرکز یا طهران و اصفهان نگاه نکنند که اسامی مشترک و القاب مکرر زیاد است ولی در جا های دیگر اگر کسی صاحب عنوان تلگراف باشد کاملاً معروف است بتجربه حاصل شده است که آنها هم که تلگراف میکنند عنوان طرف مقابلشان را واضحاً تلگراف میکنند

و صاحبش هم رسیده است در مدت مدیدی اگر یک اتفاقی بیفتد و از این قبیل هم خیلی کم اتفاق می افتد و دلیلی که میاورند برایش اینست که یک نظامنامه خواهیم نوشت و آن نظامنامه اینطور خواهد بود حالیکه قانونی بگذرانیم که تابع نظامنامه شود بدین عرض میکنم که نظامنامه تابع قانون است نظامنامه بواسطه قانون مجازست نه قانون بواسطه نظامنامه این شکل بنویسند لهذا عقیده بنده این است که آن پیشنهاد خیلی خوب خواهد بود دلایلی را که آوردند بنده را قانع نکرد.

افتخار الواعظین - اما اینکه شاهزاده

فرمودند که کمیسیون فوائدها اغلب پیشنهاد هارا که آنجا می رود رد میکند خیر این شکل نیست بجهت اینکه پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو در کمیسیون پذیرفته شد و پیشنهاد کننده البته کمیسیون فوائدها یک نظری و غرضی نخواهد داشت

آقای معاون یک ادله آنجا بیان کردند که واقعا کمیسیون را متقاعد کردند حضرت و الا اغلب فرمایشاتشان دلیل بر مقصود کمیسیون است خواهند فرمود چطور عرض میکنم معلوم است تلگرافخانه ملزم است و مجبور بآنکه هر چه شما نوشته عین سؤال شمارا مخابره بکنند و از آنطرف هم مجبور است که تلگراف شمارا بمقتصد رساند حالا تلگراف کننده چند تلگراف کرده است مثلا بوزارت جنگ بايات شهری بجا کم یکلواتی بردمان محترم بتجارو اشراف واعیان و علماء تلگرافخانه باونمیگوید که اسم پدر اینهارا معین کنید که من بتوانم برسانم این از برای بعضی مواقع است که اسامی مشترک باشد و آن شخص مخاطب معروفیت تامه نداشته باشد و برای اینکه بتواند اداره تلگراف قبول رسانیدن این تلگراف را بمقتصد نماید این ماده نوشته شده که اگر چنانچه حاج محمد حسین باشد در طهران حال محمد حسین اسم خیلی باشد اداره تلگراف اگر نتوانست برساند بگوید بصاحب تلگراف که آفادت نرسانیدن تلگراف شما این بود که حاج محمد حسین مطران نوشته بودید اگر شما يك لفظ اصفهانی یا آذربایجانی آنجا نوشته بودید میتوانستیم برسانیم ولی چون نوشته بودید این از اسامی مشترک بود پیدا نکردند فراس تلگرافخانه و من مسئول ادای آنجریه نیستیم والا شما باید بدانید که اداره تلگراف چه طرف معروف باشد چه نباشد مجبور است که تلگراف را برساند

نایب رئیس - مذاکرات کافی است رای میگیریم اول باصل ماده (ماده مجدداً قرائت شد)

نایب رئیس - آقایانیکه تصویب میکنند بدون پیشنهاد آقای اردبیلی قیام نمایند (چند نفری قیام نمودند)

نایب رئیس - اصل ماده رد شد رای میگیریم پیشنهاد آقای اردبیلی آقایانیکه موافقت قیام نمایند (معدودی قیام نمودند)

نایب رئیس - قبول نشد پس اینماده حذف می شود ماده ۱۵ قرائت میشود (ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۵ - برای اخذ سواد هر تلگرافی تا یکصد کلمه دوهزار دینار و از صد کلمه زیادت تهر

یکصد کلمه یا نصد دینار اضافه دریافت میشود

نایب رئیس - مخالفی نیست؟

شیبانی - بنده مخالفم - اگر چه این مطلب بنظر خیلی کوچک می آید ولیکن تصور میکنم از برای یک نفر که صد و یک کلمه شد این سواد برای آن يك كلمه دهشاهی خواهد داد این یک قدری براونجمیل خواهد شد و از عدالت خارج است بنده پیشنهاد کرده ام که هر پنجاه کلمه پنجشاهی بدهد پولش تفاوت پیدا نمیکند علاوه سهولتی است از برای این کسی که صورت سواد میگیرد و يك اصلاح عبارتی هم در این ماده بود بنده آنرا اصلاح کردم و این را پیشنهاد نمودم مفصلا هم در این ماده جواب وسؤال نمیکند که زود تر اینماده بگذرد

حاج وکیل الرعایا - گمان میکنم که باین

اندازه از عایدات دولت گاهیدن صحیح نباشد و يك نظری میخواهد که شاید ما از او خبر نداشته باشیم و آن اینست که تصور میکنم فایده از آسمان نازل میشود و اگر بدانیم مخارجی است باید عایدی هم در مقابل داشته باشد بنده نمیدانم چطور برای يك کسیکه صد کلمه تلگراف را باید سواد بنویسد و بدهد آن حقوقی را که می گرفتند و خبر داریم بگوئیم دو هزار کمتر بدهد یا بعد از او هر صد کلمه یا نصد دینار که هر ده کلمه صد دینار میشود بدهند تصور میکنم اگر تصویب کنیم آنرا هم مخارج آن شخص که اینکار را میکند توانسته ایم بهمیم و هم يك چیزی بخرانم دولت توانسته ایم برسانیم از این دو هزار یا نصد دیناریکه اخیراً قرار داده اند نباید کاری بکنیم که این هر دو نشود و گمان میکنم که از جزئیاتیکه همی از عایدات دولت کم کم ما کم می کنیم اخیراً ناچار میشویم که خیلی کسر پیدا کنیم بله همین جزئیات است که جمع میشود عایدات کلی میشود آقایان باید سعی کنند که از این راه های مشروع برای این مملکت پیدا شود تا اینکه بشود این مملکت را اداره کرد با این وضعیکه می بینید که البته خیلی وضع ناگواری است باز هم تخفیف میدهید سابق هر پنجاه کلمه يك قران میگرفتند حالا کرده اید صد کلمه و بعد از صد کلمه هر صد کلمه ده شاهی بنده اگر در کمیسیون بودم هر گز هم چور رای نمیدادم و میگفتم که از همین راههای مشروع باید دخل دولت را زیاد کرد محتاج نیست بگیرد سواد را

نایب رئیس - پیشنهادیست از طرف آقای شیبانی قرائت میشود

(پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) - ماده ۱۵ را بنده پیشنهاد میکنم بترتیب ذیل نوشته شود برای اخذ سواد تلگراف تا یکصد کلمه اول دوهزار دینار پس از آن هر پنجاه کلمه پنج شاهی اضافه دریافت میشود

شیبانی - بنده گر چه توضیح دادم ولی عرض می کنم که محتاج به توضیح نیست همینقدر در جواب آقای حاج وکیل الرعایا اگر اجازه بفرمائید عرض بکنم که فرمودند عایدات دولت را نباید جلوگیری کنیم و باید سعی بکنیم که عایدات دولت زیاد شود عرض میکنم تا بجا تلگراف جزء عایدات دولتی و اداره تلگراف نه بوده است باختلاف هر چه دلشان میخواست يك پولی میگرفتند و سواد میدادند بر دم بعضی اوقات هم مجانی می

دادند بعضی اوقات سیصد کلمه يك قران یا زیادت می گرفتند حالا این را قانونی کردیم که يك پولی از این راه عاید دولت بشود و تصور میکنم کمیش است و بیشتر از اشخاصی که می آیند سواد میگیرند فراء و ضعا هستند برای آن حکمیکه صادر میکنند سواد می خواهند داشته باشند که سندیت داشته باشد و اگر يك تحمیلی بشود هیچکس قدرت سواد گرفتن را نخواهد داشت از فقراء

نایب رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد

حاج شیخعلی خراسانی - این صورتی

که زلاتین کرده اند و بنا داده اند نوشته اندرای قطعی گرفته اند با کسرت ۵۷ رای تصویب شد چیزی را که ما رای قطعی دادیم و گذشته است دیگر چطور میشود که ثاباً در آن مذاکره کنیم و رای بگیریم

افتخار الواعظین - اینجا وقتیکه پیشنهاد

کردند شاهزاده لسان الحکماء قابل توجه شد و رئیس بنده فرمودند که کمیسیون چه میگوید عرض کردم کمیسیون قبول میکند چون کمیسیون قبول کرد رای قطعی گرفتند ولی از صد کلمه بید تکلیف آن و از آن پیشنهاد معلوم نبود این بود که در کمیسیون آن عبارت ذیل را زیاد کردند که از صد کلمه بیه هر صد کلمه دهشاهی گرفته شود والا رای قطعی گرفته شده است و در این پیشنهاد نمی شود رای گرفت

مهرز الملک - این جمله را باین شکل

نمیشود باین ماده الحاق کرد ولی میشود که این را بشکل ماده الحاقیه زیاد کرد ولی در آن ماده نمی شود رای گرفت زیرا رای قطعی داده شده

نایب رئیس - بله رای گرفته شده است در

آن جزء اول و این جزء ثانی باید بمنوان ماده الحاقیه نوشته شود و آقای شیبانی هم در این جمله ثانی پیشنهاد خواهد کرد

شیبانی - بله بطور ماده الحاقیه پیشنهاد بنده بشود

نایب رئیس - این بهتر است که بماند برای

بمذاذ تنفس شور در قانون جنگلها را مقدم میداریم و مذاکره در کلیات است

نایب رئیس - سپور اول قانون جنگلها

است در کلیات آن باید مذاکره بشود در کلیات آن مخالفی هست

حاج شیخعلی - اجازه میفرمائید؟

نایب رئیس - بفرمائید

حاج شیخعلی - وضع قانون برای چند فایده

است یا راجع است به ترتیبات عمومی یا راجع بحدود افرادی که بديگری است یا راجع است بوضع يك مالیاتی بجهت حفظ منافع عمومی بله قانون خوب چیزی است هیچکس نمیتواند رد کند هیچ قانونی را ولو برای هر اداره جزئی باشد اما وقتیکه قانون وضع میشود باید به بنییم آتفانده را که ما از قانون در نظر داریم در این قانون هست یا نیست والا يك موادی نوشته شود وقتی تصبیع شود و آنمواد بگذرد که فائده قانونی از آن گرفته نشود چه اثری دارد البته برای جنگلها هم باید قانون وضع شود در آنموضوع

هم که امروزه ما باید قانون برای جنگل وضع کنیم یا برای مجازات اجرائیکه تعدد می کنند و کدام يك مهمتر است در آنهم عرضی نمیکند اما در همین قانون که از طرف وزارت عاید شده است بنده عرض میکنم سه ماده از طرف وزارت فوائده عامه پیشنهاد شده است که هیچ قانونی ندارد یعنی چطور قانونی ندارد ماده بندی آن صحیح است ولی آن فایده قانونی ندارد در اینجا دو مطلب است یکی اینست که يك اختیاری می آید در وزارت فوائدها که هر طور خواهد در جنگلها رفتار کند در ماده ثانی آنهم وضع مالیات است برای جنگلها غیر از این دو فایده چیز دیگری در این قانون نیست يك ماده این میگوید که ترتیب جنگلهای اربابی و دولتی را نظامنامه داخلی وزارت فوائدها خواهد نوشت چگونه تفکیک خواهد کرد وزارت فوائدها عامه بین جنگلهای اربابی و دولتی معلوم نیست و يك قسم دیگر هم از جنگلها هست که دولتی است نه اربابی عمومی است مثل اینکه در يك محلی يك جنگلی است که از آن جنگل هیزم و ذوقال آن محل تهیه میشود با جنگلهای آنجا چه قسم معامله میشود آیا مالیات بیزمها و ذوقالها خواهند بست چون آنها درخت قوی که عشر گرفته شود ندارد باید بفهمیم که در آنجاها چه قسم مالیات می بندند همین تنظیمات جنگلها را وزارت فوائدها خودشان نظامنامه مرتب خواهد کرد ترتیب جنگلها باید از مجلس بگذرد تا اینکه به بنییم چه وضع است و چه ترتیبی دارد و در این قانون فقط دو فایده منظور کرده است یکی اینکه يك اختیاری از برای خودش بگیرد که در جنگلها هر طوریکه بخواهد رفتار کند و آنوقت معلوم نیست که تفکیک بین جنگلهای اربابی و دولتی را چگونه خواهد کرد یکی دیگر اینکه تنظیمات جنگلهای دولتی را که چگونه درخت به برند و چگونه درخت بکارند و چطور اداره بکنند اینجا نیست و اگر لازم است که ما امروز يك قانونی برای جنگلها وضع کنیم بهتر اینست که خود وزارت فوائدها عامه يك قانون مفصل تری اول در خصوص تفکیک جنگلهای دولتی و اربابی پیشنهاد کنند و در ثانی آن ترتیبی را که بخواهد در جنگلها رعایت کند که فوائدها برای مملکت کلی است آنها را هم رعایت بکنند و بمجلس پیشنهاد بشود والا این قانون هیچ ببرد امروزه ما نخواهد خورد

افتخار الواعظین - آقایان باید نظر

مبارکشان باشد که دولایحه قانونی از طرف وزارت فوائدها بمجلس تقدیم شد یکی از برای کلیه جنگلهای اربابی و وزارت فوائدها عامه هر دوی آنها را ناقص میدانست و امروز اگر آقای حاج شیخعلی بدانند که علت تقدیم این سه ماده قانون چه چیز بوده است البته تصدیق خواهند فرمود که این سه ماده باید از مجلس بگذرد در اینکه یکی از منافع و منابع عایدات دولت جنگلها است حرفی نیست و در اینکه امروزه تمندیاتی میشود هم بجهت جنگلهای دولتی هم بجهت جنگلهای اربابی حرفی نیست و دولت ولو باینکه سه ماده هم باشد باید يك مستسکی در دست داشته باشد و حالا سه ماده هم برای کسب تکلیف در دست ندارد نمیتواند از آنها جلوگیری کند و اگر مفصل و مشروح بخواهند مطالب

افتخار الواعظین - آقایان باید نظر

مبارکشان باشد که دولایحه قانونی از طرف وزارت فوائدها بمجلس تقدیم شد یکی از برای کلیه جنگلهای اربابی و وزارت فوائدها عامه هر دوی آنها را ناقص میدانست و امروز اگر آقای حاج شیخعلی بدانند که علت تقدیم این سه ماده قانون چه چیز بوده است البته تصدیق خواهند فرمود که این سه ماده باید از مجلس بگذرد در اینکه یکی از منافع و منابع عایدات دولت جنگلها است حرفی نیست و در اینکه امروزه تمندیاتی میشود هم بجهت جنگلهای دولتی هم بجهت جنگلهای اربابی حرفی نیست و دولت ولو باینکه سه ماده هم باشد باید يك مستسکی در دست داشته باشد و حالا سه ماده هم برای کسب تکلیف در دست ندارد نمیتواند از آنها جلوگیری کند و اگر مفصل و مشروح بخواهند مطالب

مهرز الملک - بنده اخطار نظامنامه دارم

نایب رئیس - بفرمائید

مهرز الملک - بنده هیچ نمی خواهم داخل

بشوم در این قانون ولی همینقدر عرض میکنم چیزی که قانونیت دارد و لایق است که بگذرد ماده دوم است بجهت اینکه ماده اول و سوم قانون نیست و ماده دوم يك ماده قانونیست آنهم هیچ راجع بوزارت فوائدها عامه نیست و باید از وزارت مالیه پیشنهاد بشود و برود بکمیسیون قوانین مالیه و از آنجا بیاید بمجلس و ماده اول اجازه است که آن اجازه را وزارت فوائدها عامه وارد نیست اینکه شما در ضمن تکالیف وزارت فوائدها عامه نوشته اند اداره کردن جنگلها از وظیفه او است او باید اداره بکند و ماده سوم هم در واقع يك نصیحتی است که باید اطاعت بکنند نظامنامه وزارت فوائدها عامه را قانون نیست

افتخار الواعظین - بنده هیچ معنی فرمایش

آقارا نفهمیدم فرمودند اخطار نظامنامه دارم و بعد درباره اخطار نظامنامه فرمودند که ماده دوم راجع است بکمیسیون قوانین مالیه خیلی غریب است چه میفرمائید جنگلهای اربابی رعایت آن نظامنامه که از طرف وزارت فوائدها عامه نوشته می شود رعایت مقررات آنرا بکنند آن نظامنامه ها در وزارت فوائدها عامه نباید که تنظیم بشود این بدیهی

را بفهمند بنده میتوانم در کمیسیون یاد رخ از این اطاق پارلمانی بایشان عرض کنم و متقاعدشان بکنم امروز متصلا هی از جنگلها درخت است که میرند و حمل بخارج و داخل می کنند بدون اینکه يك دینار بدوات عاید شود بلکه از جنگل های دولت هم می برند و دولت نمی تواند جلوگیری کند و البته از برای تنظیم جنگلها از طرف دولت و وزارت فوائدها عامه يك قانون مدونی و يك قانون منظمی مثل قانون سایر دول پیشنهاد خواهد شد که او مشتعل بر چندین فصول و مواد خواهد بود ولی دیدند که اگر بخواهند آن قانون مفصل را پیشنهاد کنند بمجلس تا آن بگذرد آن تعدیاتی که روز بروز بدولت میشود از طرف داخله و خارجه بحدود دولت دولت نمیتواند از آنها جلوگیری بکند این است که وزارت فوائدها عامه هم این سه ماده را قانون جنگلها نمیدانند که کافی باشد دیگر که پیشنهاد نشود برای اینکه آقایان تصدیق خواهند فرمود که جنگلها از دو قسم خارج نیست یا اربابیت و متعلق بصاحبان املاک است یا از قبیل جنگلهای مازندران و رشت و کیلان است که متعلق بدولت است این سه ماده را عجالتاً وزارت فوائدها عامه میخواهد از برای جلوگیری تعدیاتی که میشود کام وز در جنگلها هم غیر برود به متصلاهی مشغول بریدن هستند بدون اینکه حقوقی بدولت بدهند و جای درختها بیکه کنده اند غرس کنند یا اینکه لزوم بریدن آنها درختها معین شود و متصلا درختهای قیمتی را میرند و میرند و يك حقوق گمراهی خیلی مختصری آنهم اگر تفتیش بشود گرفته میشود والا قلا وزارت فوائدها عامه این سه ماده را پیشنهاد کرده است برای اینکه امروزه با کمال عجله بتواند جلوگیری از آن تعدیات بکند و بعد البته قانون مفصل مدونی پیشنهاد خواهد کرد مثل سایر دول و البته از تصویب و نظر آقایان خواهد گذشت

افتخار الواعظین - بنده کلمه

قانونی که بمجلس می آید اهمیت مذاکره در کلیات آنرا زیاد از مذاکره در مواد آن میدانم قانون نظریات عمیقی لازم دارد و بنده میخواستم شرح مفصلي عرض بکنم ولی مخیر بعضی تفصیلات فرمودند که قدری فایده شدم و این جنگلها یکی از قوانین مهم است و جنگل در هر مملکت خصوصاً در مملکت ما که هیچ اسمی ندارد و یکی از منابع بزرگ ثروت مملکت است مثل معادن و معادن برای ما مشکل تر است و جنگلها خیلی سهل الوصول تر است و این نظر عمیقی لازم دارد و بنده خودم یکی دوسفر کرده ام و میدانم چه بر سر جنگلها می آورند والا اگر بخواهید يك حق قانونی وضع بکنید باید وزارت فوائدها عامه ملاحظه بکنند که اسباب اجرای این قانون را دارد اسباب اداره کردن جنگلها را دارد باندازد و آن تنظیمی که میدهد جلوگیری از تخلف آن میتواند بکند اگر بر خلاف تنظیمات او عمل کردند مجازات چه قسم میدهد قوانین که برای جنگلها وضع میکنند دو قسم است يك قسم راجع بجهت جنگلهای اربابی است يك قسم راجع بجهت جنگلهای دولتی است برای اربابی ترتیباتی میدهد که آن ترتیبات را باید مواظب شوند چطور بکارند چه قسم درختها را بکنند کدام قسمت را به برند و عوض آنهم او را چه قسم بکارند در هر زمین مناسب آن بکارند معنی جنگل اصلا چیست این معلوم شده است حالا بنده يك مثال عرض میکنم هر گاه من در نزدیکی طهران يك جائیرا کلیه خیار کاشتم این جنگل است یا جنگل نیست این باغ است یا اینکه کلا درخت صنوبر و بید کاشتم که بارور نیست آیا هر قدر مکان بزرگتر باشد این جنگل است یا باغ است یا اینکه جنگل همانرا میگوئیم که کسی رفته است در صحرا زمینی را که حیاضت کرده و آن جنگل شده است یا اولاً برای جنگلهای اربابی يك ترتیباتی میدهم از برای جنگل های دولتی هم يك ترتیباتی میدهند قانون پلیس های جنگل هم خودش يك قانون مفصل علیحده است که آنها مواظبت بکنند که چطور بریده شود چطور کاشته شود بریدنی آن درختها کدام است بریدنی او کدام است هیزمی او کدام است آنها بیکه بجهت ارباب و تخته و غیره باید استعمال شود کدام است تا بکدام بزرگی رسد بریده نخواهد شد تمام این ترتیبات را میدهند ولی مشروط بر اینکه در اول اسباب اجرای آن را تهیه بکنند و حاضر بکنند و بعد اسباب مجازات را معین کنند حالا هر گاه تخلفی شد چه خواهند کرد بنده مآلی اینرا نگاه کردم دیدم که مال این قانون اینست که

مهرز الملک - بنده اخطار نظامنامه دارم

نایب رئیس - بفرمائید

مهرز الملک - بنده هیچ نمی خواهم داخل

بشوم در این قانون ولی همینقدر عرض میکنم چیزی که قانونیت دارد و لایق است که بگذرد ماده دوم است بجهت اینکه ماده اول و سوم قانون نیست و ماده دوم يك ماده قانونیست آنهم هیچ راجع بوزارت فوائدها عامه نیست و باید از وزارت مالیه پیشنهاد بشود و برود بکمیسیون قوانین مالیه و از آنجا بیاید بمجلس و ماده اول اجازه است که آن اجازه را وزارت فوائدها عامه وارد نیست اینکه شما در ضمن تکالیف وزارت فوائدها عامه نوشته اند اداره کردن جنگلها از وظیفه او است او باید اداره بکند و ماده سوم هم در واقع يك نصیحتی است که باید اطاعت بکنند نظامنامه وزارت فوائدها عامه را قانون نیست

افتخار الواعظین - بنده هیچ معنی فرمایش

آقارا نفهمیدم فرمودند اخطار نظامنامه دارم و بعد درباره اخطار نظامنامه فرمودند که ماده دوم راجع است بکمیسیون قوانین مالیه خیلی غریب است چه میفرمائید جنگلهای اربابی رعایت آن نظامنامه که از طرف وزارت فوائدها عامه نوشته می شود رعایت مقررات آنرا بکنند آن نظامنامه ها در وزارت فوائدها عامه نباید که تنظیم بشود این بدیهی

وزارت فوائد عامه می خواهد از جنگل های اربابی يك مالیاتی بگیرد آن هم بجهت ترتیب نماندن و دیگر به هیچوجه باین ترتیبات کار ندارد و الا مامین کردیم سابق که وزارت فوائد عامه چه اداره را دارد چه اداره را ندارد اداره جنگلها از مختصات وزارت فوائد عامه است برود اداره بکنند نظامنامه می خواهد بنویسد برود بنویسد دیگر لازم نیست که ما بنویسیم برود نظامنامه بنویسد ولیکن این هم کافی نیست که ما بگوئیم برود اداره بکنند باید ببینیم میتوان بکنند اسبابش را دارد اینها را باید ملاحظه کرد والا وضع قانون هیچ زحمت ندارد و این قانون این طور می فهماند که می خواهد از جنگل های اربابی يك ده یکی بگیرد آنهم بچه طور و بچه ترتیب از درخت های بریده می خواهد بگیرد یا از تمام منافع جنگل کجا آدم بگذارد چطور بگیرد تمام ایران جنگل های اربابی دارد می رود ده يك محصول آن جنگلها را میگیرد آیا بچه قسم خواهد گرفت اینها را دیگر نماند و در این قانون نیست

حاج وکیل الرعایا - بله بنده اگر این قانون را از روی کتاب های اروپائی وزیر فوائد عامه نوشته بود و آورده بود بمجلس با ۲۲۵ ماده آنوقت میمانستم که اشتباهی کرده است در مملکت قانون را باید بموجب مقتضیات وقت پیشرفت گذاشت و این قانون خوب بنا وعده میدهد که وزیر فوائد عامه در این قانون ملاحظه مقتضیات وقت را و این نظر را داشته است اول خواسته است تجربیاتی پیدا کند بعد ماده باده پیشنهاد کند بمجلس و آنوقت آن قانون خوب اجراء میشود میتواند امتداد پیدا کند که این قانون ماده باده پیشنهاد شود بمجلس بر حسب ضرورت بنده عرض میکنم این یکی را بعد از آنهمه مذاکراتی که شد باید در نظر گرفت چنانچه دیده اند شاید در يك موقعی يك نادانی آتش زد بجنگل این را که خواهمش خواهد کرد و ممکن است که بگوئیم وقتی که جنگل آتش گرفت ذوقال آن یکسکه کی می رود و برود مردم خواهد خورد خیر خواهد سوخت ذوقال و آتش خاکستر خواهد شد و بیاد خواهد رفت و يك چنین نعمتی باین بزرگی که آنقدر قیمت دارد از دست خواهد رفت چنانکه در مملکت ما فرسنگها بوده و از دست رفته است و جای او هیچ نمانده عجلالتان بنده تنها میکنم که يك دقتی باین يك قسم از عایدات مملکت داشته باشند علاوه در بعضی چیزها که شاید در مملکت شما یک چیز مهمی است و مخصوصاً در ذراکت هوا و خوبی این جنگلها خیلی مشخبات دارد که او هم دارد از دست مامی رود عجلالتا یک چنین موادی را بدست وزارت فوائد عامه بدهید ولو اینکه همین سه ماده باشد تا اینکه شروع در کار بکنند و کارها را بسنجند و ماده سائر احتیاجاتش را بمجلس تقدیم بکنند تا بر حسب ضرورت قانون را تقدیم بکنند نه بر حسب کتاب

لواء الدوله - بنده مخالف با کلیه قوانین کقبل از اینکه قانون مجازات آنها وضع شود بمجلس بیاید نمی دانم آقایانیکه این قوانین را بمجلس می آورند عمداً سهو میکنند یا اینکه ملتفت نیستند زیرا یک نفر وقتی بخواهد يك خانه را اداره بکنند يك نوکری می آورد بجهت او خدمتی معین میکند معین است خدمت آن نوکر چیست در مقابل خدمت احساس چیست

خیانتش چیست مجازاتش چیست مالان نماندیم که فلان حکومت عراق یا جوشقان فلان خلاف را کرده است و معزول شده است نماندیم مجازاتش چیست نماندیم بچه مجازاتی باور رفتار بکنیم نماندیم قانون مجازات برای ما چه دستور العمل میدهد که بارتیس فلان اداره که خیانت کرده است مثلا با کسی که صدی دو از وجه اعانه بر میدارد چه مجازاتش چیست تکلیف او چیست باید اول قانون مجازات را بگذرانیم آنوقت قانون بگذاریم.

حاج سید ابراهیم - این اشکالاتیکه گفته میشود و بیان مخالفت هیچ نیست جز نواقص کار و نواقص کار سبب نمی شود که مادست بکار برنیم ولی چیزی که هست آن نواقص را هم در ضمن عمل باید تکمیل کرد و چیزی را که ما اینجا می بینیم این است که معاون وزارت فوائد عامه نیست که توضیحات بدهد که چطور اداره میکند اگر بدانی که چطور اداره میکند و مطمئن باشیم که بخوبی اداره میکند خیلی میل داریم که این قانون بگذرد و اداره بشود ولی چون ترتیب اداره کردن هیچ در نظر ما نیست و میدانیم که وزارت فوائد عامه از تمام جنگلها بطوریکه باید اطلاع داشته باشد ندارد و روی کافند هم بناورده است ما مطلع نیستیم و شاید هم اگر معاون وزارت فوائد عامه خودش حاضر و بیان میکرد که ماقط می خواهیم اداره بکنیم و مقصود ما اداره کردن است نه فقط جعل مالیات شاید آقایان حاضر بودند رأی بدهند و قبول میکردند و همراهی هم در تهیه اسباب و لوازم اجراء هم میشد اگر مراد از این قانون این باشد بنده خیلی موافقم و باید این قانون جعل شود اما نسبت بآلباتش بنده موافقم با آقای معزز الملک که این راجع است بوزارت مالیه و باید وزارت مالیه پیشنهاد کند و بنظر کمیسیون قوانین مالیه برسد بعد بمجلس بیاید بجهت اینکه وضع مالیات خارج از اداره کردن است

حاج شیخ اسدالله - بله این قانون سه ماده است دو ماده اشراکه لابد نمیتوان مذاکره کرد و رأی داد دو ماده اش را بجهت اینکه میگویند که يك نظامنامه برای جنگلها بنویسد وزارت فوائد عامه ما که نمی دانیم آن نظامنامه چیست و ماعلی العمیا رأی بدهیم يك نظامنامه که نماندیم چیست این چطور متصور است دیگر اینکه یک ماده این راجع بمالیات است که وضع مالیات این باشد آنهم نه وظیفه وزارت فوائد عامه است نه راجع است بکمیسیون فوائد عامه باید وزارت مالیه پیشنهاد بکنند و بکمیسیون قوانین مالیه برود از وظیفه وزارت فوائد عامه هم خارج است پس در این مواد ما نمیتوانیم مذاکره بکنیم بجهت اینکه در واقع این یک ماده دارد سه ماده و آنهم راجع بوضع مالیات است که باید برود بکمیسیون قوانین مالیه و از آنجا بمجلس بیاید وقتی که رایورت کمیسیون قوانین مالیه آمد بتوان در آن مذاکره کرد و رأی گرفت و کلیتاً بنده با این مواد مخالفم.

شهبانی - آقایانیکه این مواد را رد میکنند بنظر بنده خیلی غریب می آید زیرا بنده تصور میکنم که هیچکس این را تصدیق نکند که ما اگر قیا نداشته باشیم باید سرداری هم نداشته باشیم و اگر سرداری نداریم باید قیاهم نداشته باشیم از ابتداء شروع باید کرد و بعد کم کم صورت تکمیل باو

داشته باشد و این ترتیبی که داده اند نه از برای جنگلهای اربابی نه از برای جنگلهای دولتی از برای هیچکدام فائده گمان نمیکند داشته باشد باینجهت بنده مخالف هستم.

افتخار الواعظین - بنده حقیقتاً مقصود آقایان را کاملاً ملتفت نمیشوم می خواهم بدانم که میفرمایند قانونی برای جنگلها لازم نیست یا اینکه میفرمایند این قانون مکفی نیست چه می خواهند بفرمایند اگر می خواهند بفرمایند برای اداره کردن جنگلها و تنظیم جنگلهای اربابی و دولتی وزارت فوائد عامه هیچ قانون لازم ندارد بنده گمان میکنم این را میفرمایند و همان قسمی که آقای سیدالاطباء فرمودند شاید بنده هم میدانستم که حالت جنگلها چه قسم است و نمی خواستم دیگر بآن اندازه توضیحات بدهم همین قدر عرض میکنم شما اگر این سه ماده را چند ماه دیگر بگذرانید شاید برای شما جنگلی باقی نماند و بنده مطمئن و تعجب میکنم از اینکه چطور شده است که از طرف هیئت رئیسه اطلاع بمعاون وزارت فوائد عامه داده اند و آقای معاون حاضر نشده است اینجا تا توضیحات بدهد تا آقایان خاطرشان مسبوق شود و اینکه میفرمایند این قانون نیست چطور قانون نیست يك جنگل اربابی است يك جنگل دولتی است و يك مالیاتی است که از منافع جنگل باید گرفته شود و يك محدودی است که برای جنگلهای اربابی باید تعیین شود منتهی برای اینکه این قانون مفصل نباشد این قانون موکول میکند بنوشتن نظام نامه که در خود وزارت فوائد نوشته خواهد شد یکی هم راجع است بمالیات آنرا هم میگویند و قتیکه درخت را می خواهند بیاندازند از شاخیکه از جنگل می خواهید برید يك عشر باید بدهید بدولت و این سه ماده قانون این است بنده نمی فهمم خوب است آقایان توضیح بدهند که این چطور قانونی است.

معزز الملک - و قتیکه در کلیات يك قانونی حرف میزنند همیشه کسانیکه میل دارند آن قانون را بگذرانند فوراً شرحی در لزوم ملاحظه جنگلها و ترتیبات و حفظ حدود آن در این قبیل کلیات که هیچکس منکر نیست بیان میکنند هیچکس منکر این نیست که جنگلها باید حفظ شود و هیچکس منکر این نیست که برای جنگلهای دولتی و اربابی يك حدودی باید معین شود هیچکس منکر نیست که برای تعیین حدود جنگلها يك قانونی باید نوشته شود و لی و قتیکه اشکال میکنند و حرف میزنند در این قانون منکر این کلیات نیستند میگویند این سه ماده برای حفظ این کلیات کافی نیست و این قانون معین که نوشته شده است حفظ نمیکند مثلاً اینجا میگوید که مالکین جنگلها حق دارند که جنگلهای خودشان را ببرند البته بدون این که این قانون هم نوشته شود - دارند و میتوانند که جنگل های خودشان را ببرند يك چیز دیگر هم میگوید که باید نظامنامه وزارت فوائد عامه را اطاعت کنند این هم توضیح واضح است که مردم از نظامنامه هائیکه قائم مقام قوانین است باید اطاعت کنند و دیگر تکلیفی برای جنگلها معین نکرده اند در این ماده سوم هم گفته اند وزارت فوائد عامه يك نظامنامه

بجهت تنظیم جنگلها خواهد نوشت و این هم معلوم است که جنگلها در تحت اداره وزارت فوائد عامه است و البته باید آنها اداره بکنند و بدیهی است مستلزم اداره کردن تأسیس يك اداره و نوشتن نظامنامه است پس این ماده قانون نیست يك چیزی است واضح ماده دوم این يك ماده قانونی نیست آنهم راجع بوزارت فوائد عامه نیست و هم از وظیفه او هم از کمیسیون فوائد عامه خارج است بجهت این که شما می خواهید يك مالیات وضع کنید برای جنگلها و آن مربوط بوزارت مالیه و کمیسیون قوانین مالیه است یا کمیسیون بودجه علی الراس باید برود بيك کمیسیونی که مربوط بآنجا است این که جنگلها ما محفوظ بماند تمام اینها را ما خیلی مایل هستیم ولی این قانون کفایت آنرا نمیکند اگر خیلی میل دارد کمیسیون فوائد عامه که جنگلها اداره بشود معاون وزارت فوائد عامه را بخواهید یا خود وزیر را بخواهند و يك قانون صحیحی که بجهت ترتیب باید جنگلها بشود اداره و حفظ کرد و اگر کسی تخطی کرد چه مجازاتی خواهند داد اینها را باید مفصل و مشروح بنویسند و آنچه راجع است بساختن مالیات آن را بتوسط وزارت مالیه پیشنهاد مجلس کنند آنوقت مجلس هم البته مخالفتی نخواهد کرد و رأی خواهند داد و جنگلها هم حفظ خواهد شد فائده هم خواهد داشت آیا این هیچ فائده ندارد و با آن قانون که الان می خواهند از مجلس بگذرد هیچ چیزی حفظ نخواهد شد.

نایب رئیس - مذاکرات کافی است تقاضائی ارباب کبخشرو کرده اند خواننده میشود رأی گرفته میشود (بعبارت ذیل خوانده شد) بنده تقاضا میکنم قانون جنگلها بکمیسیون فوائد عامه برگردد تا وزارت فوائد عامه نظریات ثانوی در مواد لازمه قانونی آن نموده و ترتیب مالیاتی آن را بتصویب وزارت مالیه رسانیده در ثانی بمجلس پیشنهاد کنند.

نایب رئیس - آقای ارباب توضیحی دارید بفرمائید.

ارباب کبخشو - بنده گمان میکنم بعد از توضیحاتیکه آقای معزز الملک دادند دیگر هیچ لازم بتوضیح نباشد این فقط يك قانون مالیاتی است که آمده است بمجلس و این را هم باید فراموش نکنیم که در ضمن آن ۱۲ ماده که برای خزانه دار کل معین شد یکی از تکالیف او نظریات در لواجیح قانونی مالیه بوده و بنده تصور میکنم که این ماده مخالف آن ماده بوده که گذشته است از این جهت بنده پیشنهاد کردم که این برگردد بکمیسیون فوائد عامه که هم وسعتی در مواد آن داده شود و هم ماده ثانی راجع بمالیات را بتصویب وزارت مالیه برساند که وزارت مالیه نظر خزانه دار کل را هم در این خصوص تحصیل نماید.

نایب رئیس - رأی میکنیم باین تقاضای آقای ارباب آقایانیکه موافقت با این پیشنهاد بطوری که خواننده شده قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت تصویب شد عجلالتاً بکریع تنفس است (بعد از تنفس یکساعت و ربع قبل قبل از ظهر مجلس افتتاح پس از يك ربع رسماً تشکیل شد).

نایب رئیس - پیشنهادهای است از طرف عده از نمایندگان در باب بودجه دربار خواننده میشود (بعبارت ذیل خوانده شد) چون بودجه دربار در زمان نایب السلطنه مرحوم عضد الملک بانظریات ایشان پیشنهاد بمجلس شده و پس از ورود والا حضرت تغییراتی در دربار پیدا گشته و بودجه مذکور را بدون نظریات والا حضرت پیشنهاد مجلس نموده بودند و نمایندگان نیز بصورت این که موافق ترتیبات لازمه بارعایت نکات قانونی مطرح گشته رأی خود را اظهار نمودند لهذا ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا میکنیم بودجه مذکور توقیف شده و وزیر مالیه بودجه جدید را با ملاحظاتی والا حضرت در ضمن بودجه کل پیشنهاد مجلس نمایند میرزا ایانس و ۱۹ نفر دیگر از نمایندگان.

میرزا ایانس - بنده گمان نمیکند که این پیشنهاد محتاج بتوضیحات طولانی باشد بواسطه اینکه خود این پیشنهاد توضیحات خودش را در میان خودش دارد و تمام نمایندگان خیلی خوب مسبوق هستند که يك بودجه از بابت دربار پیشنهاد مجلس شد و نمایندگان با کمال صمیمیت بگمان اینکه این بودجه از ترتیب صحیح خودش وارد شده است رأی خودشان را بدون مذاکره در آن اظهار نمودند و با اکثریت قریب باتفاق آنرا تصویب کردند بعد از آنکه معلوم شد آن بودجه از راه صحیح خودش نیامده بود و نظریات والا حضرت در آن بودجه معلوم نشده بود از نقطه های جلسه سابق خیلی خوب معلوم شد که اغلبی اظهار تأسف کردند که چرا بایستی اینطور شده باشد این است که حالا همان و کلاز برای اینکه این بی قانونی ریشه باشد پیشنهاد کرده اند که آن بودجه سابق توقیف بشود و بودجه جدیدی با نظریات والا حضرت تقدیم مجلس بشود و بنده گمان نمیکند که در این باب مخالفی در مجلس باشد

نایب رئیس - همین طوری که فرمودند گویا مخالفی در این باب نباشد بجهت اینکه هیئت مؤلفه هم که اکثریت مجلس را دارا هستند تماماً در این باب اتفاق دارند حالا آقای سلیمان میرزا هم در این باب فرمایشی دارند میفرمایند

سلیمان میرزا - معلوم است و قتیکه ترتیب مملکت تغییر کرد اساس استبداد برچیده میشود و ترتیبات مشروطیت قائم مقام آن خواهد شد و تمام ترتیبات جزء به جزء در تحت ترتیب در فرم خواهد آمد از آنجمله هم ترتیبات درباری است که کلیه ارضاع آن مخالفت پیدا خواهد کرد با وضع استبدادی که سابق داشته است در دربار هم ترتیبات مشروطیت را اتخاذ خواهد کرد و از جمله چیزهایی که در دربار ملحوظ است این است که بودجه دربار با نظریات سلطان یا نایب السلطنه مرتب بشود و بمجلس بیاید و چون این بودجه در زمان مرحوم عضد الملک پیشنهاد شده بود و نظرات ایشان را داشت و بعد از ورود والا حضرت تغییراتی هم در دربار داده شده بود لکن بواسطه سوء تفاهاتی که همانطوریکه فرمودند هم در هیئت رئیسه مجلس هم در هیئت وزراء و بالاخص در وزارت مالیه واقع شده بود و يك کابینه هم تغییر کرد با این ترتیبات این شده که از یکطرف بودجه در یاریس گرفته شده بود و از طرف دیگر در مجلس

مطرح شود و در عوم نمایندگان بدون نظر فرقه و حزبی چون در موضوع شخص والا حضرت که مافوق احزاب هستند بود و چیزی هم که نظریات ایشان درش باشد میتوان گفت که در حقیقت آتهم مافوق احزاب و نظریات احزاب است بنا بر این بایک اکثریت قریب باتفاق همان طوریکه فرمودند از همان نظر که نظر والا حضرت در آن بوده است و ترتیباتی که در مملکت مشروطه معمول است و از طرف والا حضرت میبایستی اصلاحات در آن بشود در آن بعمل آمده است رأی دادند و آن بود که تصویب کردند متاسفانه بعد معلوم شد که بواسطه غفلت این مطلب مجری نشده و نظریات والا حضرت در آن منظور نگاشته است بنا بر این این پیشنهاد از طرف خود و کلاه یعنی از طرف هردو حزب و سایر اشخاص بیطرف که در حقیقت میتوان گفت از طرف اتفاق و کلاه است تقدیم شده است و تقاضا کرده اند که آن بودجه توقیف شود ولایحه دیگری از برای بودجه دربار با نظرات والا حضرت که هر قسم اصلاحاتی که لازم است در آن بنمایند در ضمن بودجه کل بمجلس تقدیم بشود تا اینکه عموماً در آن رأی بدیم.

نایب رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند (تماماً قیام نمودند.)

نایب رئیس - بالاتفاق تصویب شد - ماده (۱۵) قانون تعرفه تلگرافی است خوانده می شود (ببابت ذیل قرائت شد)

ماده (۱۵) - هرگاه سواد تلگراف از یکصد کله تجاوز کرد بهر یکصد کله یا نصد دینار دریافت خواهد شد.

نایب رئیس - یک پیشنهادی هم آقای شیبانی کرده اند خوانده میشود (ببابت ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد میکنم این ماده الحاقیه به تعرفه تلگراف اضافه شود برای اخذ سواد از صد کلمه اول نیز پنجاه کله پنجشاهی دریافت میشود.

افتخار الاعظم - حقیقت امر را خوب است آقایان ملاحظه فرمایند آنوقت اگر دیدند از برای هر صد کله سواد یا نصد دینار زیاد است

پنجشاهی بنویسند آقای شیبانی خودشان در واقع اینجا یک ملاحظه فرمودند که شاید به پنجاه کله نرسید بگویند که این کسر صد کلمه است و شما باید یا نصد دینار را بدید ولی بنده عرض میکنم همین طوری که ملاحظه سواد گیرنده را میفرمائید خوب است ملاحظه عایدات و مستخدمین دولت را هم فرمائید

و بنده گمان میکنم که کمیسیون کمتر از یا نصد دینار را نمیتواند قبول بکند.

نایب رئیس - آقای شیبانی توضیحی اگر دارید فرمائید.

شیبانی - بنده عرضی را که قبل از این کردم توضیح واضح بوده و اینرا هم که حالا میخواهم عرض کنم توضیح واضح است عرض میکنم کسی کله رادهشاهی دادن و صد کلمه را هم دهشاهی دادن این خیلی دور از انصاف است و بعضی از آقایان هم فرمودند که از بیست کلمه اول صد دینار و از مابقی هر صد کلمه

یا نصد دینار بگیرند و اینرا اگر بخواهیم یک قیمت فوق العاده بر آن بگذاریم اسباب این خواهد شد که تمام مردم از عهد آن بر نیایند و فوق العاده اسباب زحمت میشود این است که بنده پیشنهاد کرده ام که هر پنجاه کله پنجشاهی بشود و چون سابق هم عرض کردم که گرفتن سواد راجع بضعفای مملکت و رعایا است بخصوص کسانی که شاکا باشند و صد نفر بخواهند از یک تلگرافخانه سواد بگیرند از این جهت گمان میکنم که بیش از این را هم صحیح نباشد که تصویب شود حالا دیگر بسته برای نمایندگان است بعقیده بنده که این مبلغ کافی است.

نایب رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقای شیبانی هر یک از آقایان که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند.)

نایب رئیس - قابل توجه نشد - حال رأی قطعی میگیریم باصل ماده (۱۵) هر یک از آقایان که تصویب میکنند ورقه سفید بیانند از نصد هر یک که تصویب نمیکند ورقه کیود (اوراق رأی اخذ شده آقای آقا میرزا رضاخان از قرار ذیل شماره نمود.)

ورقه سفید (۵۳) ورقه آبی - ۳

نایب رئیس - با اکثریت ۵۳ رأی تصویب شد حالا رأی میگیریم در تمام این قانون که ۱۵ ماده است در کلیات مخالفی هست (اظاری نشد)

نایب رئیس - پس رأی میگیریم هر یک از آقایان این قانون را که مشتمل بر (۱۵) ماده است تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد نیز اوراق رأی گرفته شده آقای آقا میرزا رضا خان از قرار ذیل شماره نمود ورقه سفید ۵۴ و ورقه آبی ۲

نایب رئیس - قانون تعرفه تلگرافی مشتمل بر ۱۵ ماده (۱۵) ماده با اکثریت ۵۴ رأی تصویب شد طرح قانونی آقای عز الملک راجع با استخدام نمایندگان خوانده میشود (ببابت ذیل قرائت شد)

ماده واحده هیچیک از نمایندگان نمیتوانند در ادارات دولتی مستخدم شوند و هرگاه نماینده از شغل نماینده استعفا نماید تا انقضای دوره و کالت که عبارت از یک دوره تقنینیه است نمیشود قبول شغل دولتی را نماید.

(رابورت کمیسیون مبتکرات راجع بماده فوق نیز از قرار ذیل قرائت شد)

کمیسیون مبتکرات روز ۵ شنبه ۱۷ رمضان ۱۳۲۸ سه ساعت و دقیقه بغروب مانده در تحت ریاست شاهزاده دکتر حیدر میرزا با حضور شاهزاده لسان الحکماء - آقا شیخ رضا - آقا سید محمد تشکیل یافت آقای ناصر الاسلام - آقا سید محمد رضا غائب بودند در خصوص طرح آقای عز الملک راجع باینکه هیچیک از نمایندگان نمیتوانند در ادارات دولتی مستخدم بشوند و هرگاه نماینده از شغل نمایندگی استعفاء نماید تا انقضای دوره و کالت نمیتواند قبول شغل دولتی بنماید مذاکرات لازمه بعمل آمد کمیسیون این طرح را نظر باینکه قسمت اولش با مدلول اصل ۳۶ قانون اساسی متناقض است و قسمت آخرش منافی با اصول آزادی طبیعی است قابل توجه ندانست

نایب رئیس - این طرح راجع شده است

بکمیسیون مبتکرات و کمیسیون مبتکرات آن را قابل توجه ندانسته است حالا باید اولاً از مجلس رأی بگیریم که این طرح را قابل توجه نمیدانند یا اینکه قابل توجه نمایند اگر آن را نپذیرد

حاج شیخعلی - بنده اظهار نظامنامه دارم **نایب رئیس** - فرمائید

حاج شیخعلی - یک ماده در نظامنامه داخلی است که راپورت از کمیسیون مبتکرات بمجلس پیشنهاد میشود مجلس بطور کلی در اساس آن مذاکره میکند بعد رأی گرفته میشود

نایب رئیس - پس در آن مذاکره میکنیم **عز الملک** - بنده برای این طرح یک مقدمه هم نوشته ام خوب است فرمائید آن مقدمه را بخوانند تا اینکه بنده عرایض خودم را عرض بکنم.

نایب رئیس - بسیار خوب خوانده میشود (ببابت ذیل قرائت شد)

چون گاهی بعضی پیش آمده برخی از نمایندگان را باستعفاء از نمایندگی و قبول شغل دولتی و امید دارد و نیز چون در قانون اساسی مستخدم بودن نمایندگان بطریق غیر موظف در ادارات دولتی ممنوع نیست معدودی از نمایندگان که میخواهند در هر طریق به ملت خدمت نمایند بدون وظیفه در اداره اجرا مستخدم میشوند و این بنده هردو صورت را برخلاف اقتضای وقت و خالی از صلاح دولت و ملت میدانم و ذکر دلایل را بواسطه تجربیاتی که در این مدت نمایندگان حاصل فرموده اند لازم میدانم ماده ذیل را بعنوان ماده الحاقیه (نظامنامه داخلی) به مجلس مقدس پیشنهاد بکنم و امیدوار هستم که قابل توجه نمایندگان محترم بشود.

نایب رئیس - حالا مذاکره میشود در راپورت کمیسیون آقایان که مخالفند باید اول اظهارات خودشان را بکنند بعد موافقین.

عز الملک - بنده خیلی تعجب میکنم از این که کمیسیون مبتکرات پیشنهاد بنده را جز و تعدیل کرده است بنده هیچ نوشته بودم ماده الحاقیه بنظام نامه داخلی دلیلش هم واضح است بجهت این که قسمت اول این طرح را میشود تحت حکم نظام نامه داخلی قرارداد ولی قسمت دومش بدیهی است که راجع بنظامنامه داخلی نیست و نمیشود الحاق به آن کرد بواسطه اینکه مسلم است که نماینده وقتی که استعفاء کرد و از نمایندگی خارج شد البته دیگر در تحت حکم نظامنامه داخلی نخواهد بود و این اصلاح را خود کمیسیون کرده است و در صورتیکه ماده را رد کرده است نمایانم بجهت ملاحظه این اصلاح را کرده است اما دلایلی که برای رد و این طرح ذکر کرده اند یکی این است که قسمت اولش با مدلول اصول (۳۲) قانون اساسی متناقض است بنده عرض میکنم که ابدأ متناقض نیست اصل (۳۲) این است که قرائت میشود

چنانچه یکی از و کلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منصرف میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف با استعفاء از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود

مسلم است همینطوری که اثبات شئی نفي ماعدا را نمیکند نفي شئی هم اثبات ماعدا را نمیکند یعنی تصریح نشده است که غیر موظف باید مستخدم شود بالأخره این مطلب دارای دو قسمت است یکی اینکه موظفاً مستخدم بشود و یکی اینکه غیر موظفاً مستخدم بشود قسم اولش که موظفاً مستخدم بشود این اصل (۳۲) قانون اساسی ممنوع داشته است و قسم دومش را غیر موظف مستخدم بشود اگر این ماده از مجلس بگذرد ممنوع میدارد و باینجهت بنده هیچ تصور نمیکند که این قسمت اول با اصل (۳۲) قانون اساسی مخالف یا متناقض باشد و اما اینکه نوشته اند قسمت اخیرش منافی با اصول آزادی طبیعی است بنده تصور نمیکند که از این کلمات قشنگ همیشه نتیجه قشنگ گرفته بشود و عرض میکنم که این هیچ منافی با اصول آزادی طبیعی نیست بواسطه اینکه مسلم است کسی را که وکیل میکند اگر خیال دارد که داخل در ادارات دولتی بشود بعبارت اخیری وزیر یا معاون وزیر یا رئیس فلان اداره بشود چون یک چنین ماده را دیده است که پس از قبول نمایندگی نمیتواند استعفاء بدهد و داخل در شغل دولتی بشود اصلاً نمیتواند که کالت را قبول نکند و اگر خیالش فقط نمایندگی بوده و خواست نمایندگی را نردبان وزارت یا معاونت وزارت قرار بدهد و قصدش خالصاً مخلصاً این بود که این دو سال را کاملاً بوظیفه خودش رفتار نماید و بمملکت خدمت بکند قبول میکند پس بنده هیچ تصور نمیکند که این منافی به آزادی طبیعی باشد بجهت اینکه در اول آزاد است میتواند کالت را قبول بکند و میتواند قبول نکند

آقا سید حسین اردبیلی - ممبر کمیسیون مبتکرات اما اینکه میفرمایند کمیسیون اینرا جزء نظامنامه داخلی تصور کرده است این اهمیتی ندارد برای اینکه کمیسیون تصور کرده است که این یک ماده واحده قانونی است که باید مربوط یکی از قوانین موضوعه باشد یعنی بایکی از آنها مناسبتی داشته باشد و تصور کرده است که چون برای اعضاء مجلس بکنوع حدی و تکلیفی معین میکنند پس مناسب تر اینست که بنظامنامه داخلی ملحق شود ولی حالا هم ممکن است که اینرا مستقلاً یک ماده قانونی قرار بدهند و هم ممکن است که ضمیمه یکی از قوانین موضوعه یا نظامنامه ها بنمایند این چندان اهمیتی ندارد اساساً جهت رد کردن این ماده قانونی آقای عز الملک همان دلیلی است که بطور اختصار در راپورت نوشته شده است و اینکه میفرمایند با قانون اساسی مخالفی ندارد بله باید آن اصل قانون اساسی را درست دقت کرد و روح آنرا ملاحظه کرد میفرمایند اصل (۳۲) قانون اساسی تصریح ندارد باینکه نماینده بعد از اینکه از نمایندگی استعفاء داد یا منصرف شد نمیتواند در یکی از ادارات دولتی مستخدم بشود چه چیز صریح تر از این میشود که نوشته است آن نماینده که از وکالت استعفاء داد و مستخدم دولت شد مجدداً نمیتواند او را انتخاب کرد در صورتیکه از آن شغل دولتی استعفاء بدهد این معنیست چیست این است که یک وکیل که استعفاء داد نمیتواند وزیر یا معاون وزیر بشود یا اینکه داخل در ادارات دولتی بشود و بعد هم از آنجا استعفاء داد میتواند او را به وکالت انتخاب کرد دیگر اینکه کمیسیون میگوید

این منافی با اصل آزادی طبیعی است اینهم خیلی واضح است بجهت اینکه هر یک از افراد ایرانی حق دارد انتخاب بشود و حق دارد که انتخاب بکند و حق دارد که در هر یک از ادارات دولتی خدمت بکند اینها از حقوق ایرانیست و حقوق طبیعی هر ایرانی است حالا ما باینهم یک نفر ایرانی را بچرم اینکه نماینده ملت بوده و حالا استعفاء داده بکلی از این حق طبیعی محروم کنیم این خیلی بی انصافی است بجهت این که میبینیم که ما آدم کم داریم و ممکنست یکی از نمایندگان که شایستگی ریاست فلان اداره یا وزارت یا معاونت یک وزارتخانه را دارد یک وقتی ضرورت مارا مجبور بکند که ما او را باین مقام تعیین بکنیم یا اینکه هیئت وزراء خود او را در کابینه لازم دانستند و او نیز استعفاء داد و از صندلی و کالت منصرف شد و رفت مباشرتاً از خدمات دولتی شد بعد اتفاق افتاده که بواسطه یک حادثه و اتفاقی از آنجا هم استعفاء داد و از آن شغل منصرف شد و ضمناً مواکب خواستند و وکیل انتخاب بکنند آنوقت یک کسی که ظرف حسن ظن ملت بوده است چه تقصیری کرده است که باز ما نتوانیم او را انتخاب بکنیم و یک وجودی که علاوه بر لیاقت و کالت شایستگی وزارت یا معاونت وزارت را دارد چه دلیل دارد که نتوانم او را داخل در مشاغل دولتی بکنیم همه اینها یک چیزهایی است که بنظر بنده خیلی واضح است حالا ایشان یک چیزی را در نظر گرفته اند و آن اینست که چون بعضی اشخاص تا بحال از این حقوق طبیعی بشری که سوء استفاده کرده اند باین ملاحظه خواسته اند یک مچه ماده را وضع بکنند و عمومیت داشته باشد و یه اینکه از اینها سلب بشود و حال اینکه غالباً همیشه منظور نخواهد بود که نمایندگان مقام و کالت را از طوریکه ایشان فرمودند وسیله قرار داده باشند برای رسیدن بمقام وزارت این چه نظری است که ما داشته باشیم فرضاً هم اگر یک وقتی ملت یا وزراء یا مجلس صلاح دیدند که یک نماینده و متصدی شغل دولتی نشود چه ضرری دارد البته میتوانند که جلوگیری کنند ولی این چه لزومی دارد که یک قانونی امروز برای آن وضع بکنیم این نظریات کمیسیون بوده که عرض شد حالا آقای عز الملک اگر نظریاتی داشته باشند که محکم تر از این باشد ممکن است فرمایند که مجلس و کمیسیون را متقاعد نمایند.

حاج شیخ اسدالله - دو مطلب در اینجا هست یکی اینکه آیا این طرح مخالف با اساس آزادی یا قانون اساسی هست یا نیست این مطلب مخالف اگر معلوم شد دیگر داخل در مرحله دوم که آیا اصلاح هست که امروزه ما این طرح را بگذرانیم یا صلاح نیست نمیتوان شد بعد از اینکه معلوم شد مخالفی با قانون اساسی و اصول آزادی ندارد آنوقت میشود داخل در مرحله دوم که آیا صلاح است که امروز این طرح را بگذرانیم یا نه این است که عرض میکنم معایب و بعضی محسنات و این معایب و محسنات را باید در کفه ترازو بگذاریم و به بینیم کدام یک از آنها سنگینی میکند بنظر بنده نه این است که عرض میکنم معایب ندارد البته همان طور که عرض کردم معایب دارد ولی بنظر بنده محسناتش غلبه دارد و چیزی که در نظر داریم این است آنوقت اشخاصی هستند که در مجلس از نمایندگی آنها میتوانیم استفاده بکنیم و همچنین

این منافی با اصل آزادی طبیعی است اینهم خیلی واضح است بجهت اینکه هر یک از افراد ایرانی حق دارد انتخاب بشود و حق دارد که انتخاب بکند و حق دارد که در هر یک از ادارات دولتی خدمت بکند اینها از حقوق ایرانیست و حقوق طبیعی هر ایرانی است حالا ما باینهم یک نفر ایرانی را بچرم اینکه نماینده ملت بوده و حالا استعفاء داده بکلی از این حق طبیعی محروم کنیم این خیلی بی انصافی است بجهت این که میبینیم که ما آدم کم داریم و ممکنست یکی از نمایندگان که شایستگی ریاست فلان اداره یا وزارت یا معاونت یک وزارتخانه را دارد یک وقتی ضرورت مارا مجبور بکند که ما او را باین مقام تعیین بکنیم یا اینکه هیئت وزراء خود او را در کابینه لازم دانستند و او نیز استعفاء داد و از صندلی و کالت منصرف شد و رفت مباشرتاً از خدمات دولتی شد بعد اتفاق افتاده که بواسطه یک حادثه و اتفاقی از آنجا هم استعفاء داد و از آن شغل منصرف شد و ضمناً مواکب خواستند و وکیل انتخاب بکنند آنوقت یک کسی که ظرف حسن ظن ملت بوده است چه تقصیری کرده است که باز ما نتوانیم او را انتخاب بکنیم و یک وجودی که علاوه بر لیاقت و کالت شایستگی وزارت یا معاونت وزارت را دارد چه دلیل دارد که نتوانم او را داخل در مشاغل دولتی بکنیم همه اینها یک چیزهایی است که بنظر بنده خیلی واضح است حالا ایشان یک چیزی را در نظر گرفته اند و آن اینست که چون بعضی اشخاص تا بحال از این حقوق طبیعی بشری که سوء استفاده کرده اند باین ملاحظه خواسته اند یک مچه ماده را وضع بکنند و عمومیت داشته باشد و یه اینکه از اینها سلب بشود و حال اینکه غالباً همیشه منظور نخواهد بود که نمایندگان مقام و کالت را از طوریکه ایشان فرمودند وسیله قرار داده باشند برای رسیدن بمقام وزارت این چه نظری است که ما داشته باشیم فرضاً هم اگر یک وقتی ملت یا وزراء یا مجلس صلاح دیدند که یک نماینده و متصدی شغل دولتی نشود چه ضرری دارد البته میتوانند که جلوگیری کنند ولی این چه لزومی دارد که یک قانونی امروز برای آن وضع بکنیم این نظریات کمیسیون بوده که عرض شد حالا آقای عز الملک اگر نظریاتی داشته باشند که محکم تر از این باشد ممکن است فرمایند که مجلس و کمیسیون را متقاعد نمایند.

چون گاهی بعضی پیش آمده برخی از نمایندگان را باستعفاء از نمایندگی و قبول شغل دولتی و امید دارد و نیز چون در قانون اساسی مستخدم بودن نمایندگان بطریق غیر موظف در ادارات دولتی ممنوع نیست معدودی از نمایندگان که میخواهند در هر طریق به ملت خدمت نمایند بدون وظیفه در اداره اجرا مستخدم میشوند و این بنده هردو صورت را برخلاف اقتضای وقت و خالی از صلاح دولت و ملت میدانم و ذکر دلایل را بواسطه تجربیاتی که در این مدت نمایندگان حاصل فرموده اند لازم میدانم ماده ذیل را بعنوان ماده الحاقیه (نظامنامه داخلی) به مجلس مقدس پیشنهاد بکنم و امیدوار هستم که قابل توجه نمایندگان محترم بشود.

نایب رئیس - حالا مذاکره میشود در راپورت کمیسیون آقایان که مخالفند باید اول اظهارات خودشان را بکنند بعد موافقین.

عز الملک - بنده خیلی تعجب میکنم از این که کمیسیون مبتکرات پیشنهاد بنده را جز و تعدیل کرده است بنده هیچ نوشته بودم ماده الحاقیه بنظام نامه داخلی دلیلش هم واضح است بجهت این که قسمت اول این طرح را میشود تحت حکم نظام نامه داخلی قرارداد ولی قسمت دومش بدیهی است که راجع بنظامنامه داخلی نیست و نمیشود الحاق به آن کرد بواسطه اینکه مسلم است که نماینده وقتی که استعفاء کرد و از نمایندگی خارج شد البته دیگر در تحت حکم نظامنامه داخلی نخواهد بود و این اصلاح را خود کمیسیون کرده است و در صورتیکه ماده را رد کرده است نمایانم بجهت ملاحظه این اصلاح را کرده است اما دلایلی که برای رد و این طرح ذکر کرده اند یکی این است که قسمت اولش با مدلول اصول (۳۲) قانون اساسی متناقض است بنده عرض میکنم که ابدأ متناقض نیست اصل (۳۲) این است که قرائت میشود

چنانچه یکی از و کلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منصرف میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف با استعفاء از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود

حاج شیخعلی - بنده اظهار نظامنامه دارم **نایب رئیس** - فرمائید

حاج شیخعلی - یک ماده در نظامنامه داخلی است که راپورت از کمیسیون مبتکرات بمجلس پیشنهاد میشود مجلس بطور کلی در اساس آن مذاکره میکند بعد رأی گرفته میشود

نایب رئیس - پس در آن مذاکره میکنیم **عز الملک** - بنده برای این طرح یک مقدمه هم نوشته ام خوب است فرمائید آن مقدمه را بخوانند تا اینکه بنده عرایض خودم را عرض بکنم.

نایب رئیس - بسیار خوب خوانده میشود (ببابت ذیل قرائت شد)

چون گاهی بعضی پیش آمده برخی از نمایندگان را باستعفاء از نمایندگی و قبول شغل دولتی و امید دارد و نیز چون در قانون اساسی مستخدم بودن نمایندگان بطریق غیر موظف در ادارات دولتی ممنوع نیست معدودی از نمایندگان که میخواهند در هر طریق به ملت خدمت نمایند بدون وظیفه در اداره اجرا مستخدم میشوند و این بنده هردو صورت را برخلاف اقتضای وقت و خالی از صلاح دولت و ملت میدانم و ذکر دلایل را بواسطه تجربیاتی که در این مدت نمایندگان حاصل فرموده اند لازم میدانم ماده ذیل را بعنوان ماده الحاقیه (نظامنامه داخلی) به مجلس مقدس پیشنهاد بکنم و امیدوار هستم که قابل توجه نمایندگان محترم بشود.

نایب رئیس - حالا مذاکره میشود در راپورت کمیسیون آقایان که مخالفند باید اول اظهارات خودشان را بکنند بعد موافقین.

درموقع ضرورت و حاجت برای وزارت و بعد از آنی که این طرح گذشت در موقع احتیاج نمیتوانیم از وجود آنها استفاده بکنیم چرا که اشخاص کافی قابل عالم خیلی کم داریم اما بعضی معایب مفاسدی بر این ترتیب مترتب میشود که آنها را باید در نظر بگیریم و میبینیم که آن معایب غلبه دارد نه اینکه بنده میخواهم عرض کنم که نمایندگان که داخل مجلس می شوند مقصودشان این است که وکالت را طریق وصول بوزارت یا معاونت وزارت یا ریاست سایر ادارات یا ریاست قشون و سایر شغل های دولتی قرار بدهند ایاممکن است (چون نمیشود جلوی فرض را گرفت) ممکن است که یک نفر در دوره ثانی برای همین خیال که بوزارت برسد یا معاونت وزارت برسد بجهت کموت برسد این وکالت را طریق وصول بمقصود خودش قرار بدهد بعد از آنی که این فرض را کردیم آنوقت ببینید اشخاصی که می آیند و باین خیال در مجلس می نشینند چه آسبایی در مجلس فراهم خواهند کرد و داخل چه آتیرک بازی ها و چه دسته بندی ها خواهند شد و آنوقت مجلس چه حالی پیدا خواهد کرد و مجلس بواسطه خیالات همان اشخاص دچار چه تزلزلات و چه بحرانیها میشود و باید دهنده در مجلس باشند و مشغول زدو خورد باین دیگر باشند هم چنین در موقع وضع قوانین و رأی دادن بنده عرض میکنم اگر این معایب را بنسبیم با آن مصالح کدر مطلب اول عرض کردم و اینها را مقابل هم بگذاریم میبینیم که آن اشخاصی که قابل وزارت هستند بعد از آنی که وکیل شدند همانطوری کدر مقام وزارت ماز آنها میتوانیم استفاده بکنیم البته در مقام وکالت هم همان استفاده زامکن است از آنها بکنیم و همان خدمتی را که در وزارت می کنند در مجلس و در وکالت هم میتوانند همان خدمت را بملت بکنند بلکه در این صورت در وکالت بهتر می توانند خدمت بکنند برای اینکه بعد از آنی که این قانون گذشت و بکلی مایوس شدند از وزارت و خدمات دولتی و دیگر امید رسیدن بوزارت در آن دوره را نداشتند با کمال جدیت می آیند در مجلس می نشینند و کار میکنند و بهتر از وجود آنها استفاده میشود تا وقتیکه بامید وزارت باشد بامید وزارت در مجلس بنشینند بامید وزارت بخواهد بامید وزارت قبول وکالت بکند بلکه در همچو صورتی ابد آهش را صرف وکالت نمیکند و آن شلیکه و وظیفه او است ابد انجام ندهد بعد از آنیکه این دو مطلب را با هم سنجدیم عقیده بنده این است که امروز رأی بدهیم که اشخاصیکه داخل مجلس میشوند و نمایندگان ملت را قبول میکنند اعم از اینکه استفاده بدهند یا استفاده ندهند ابد حق دخول در شغل دولتی را ندارند تا اینکه بخوبی بتوانیم هم از وزرائی که وزیر میشوند استفاده بکنیم و هم از اشخاصیکه وکیل میشوند.

فایده رئیس - عرض میکنم این که آقای حاج شیخ اسدالله درین اظهارات خودشان فرمودند (در دوره ثانی) خوب است ملت باشد که نمایندگان حاضر و آتی ما هم فرقی ندارند نباید چیزی گفته شود که بر خورد .

آقای سعید حسینی اردبیلی - با کمال

اختصار در جواب عرض میکنم که آن ماده قانون اساسی را که خوانده و خواستند باستدلالات اصولی این منافات را بردارند خوب است یک اندک تعمقی بفرمایند که مفهوم عرفی این ماده چیست این جا میگوید نماینده مجلس وقتی مستخدم شغل دولتی شد از نمایندگی منفسل میشود یعنی نماینده میتواند مستخدم دولتی بشود نهایت اینست که وقتیکه مستخدم دولتی شد از نمایندگی مجلس مستعفی خواهد بود این مفهوم صریح عرفی را چرا ما دور بیندازیم و خودمان را بضم و بیج اصولی دچار بکنیم پس این که میفرمایند منافات ندارد بنده عرض میکنم که منافات خیلی صریح است و این که میفرمایند که ممکن است که اشخاص وکیل شوند بامید وزارت و وقتیکه قبول وکالت را میکنند آن وزارت و شغل موهومی را در نظر میگیرند و وقتیکه بمجلس آمدند اسباب چینی میکنند این را بنده خیلی خارج از انصاف میدانم برای این که همان اشخاصی را که فرض می فرمائید شاید باین خیال بمجلس بیایند و اسباب چینی برای خودشان بکنند و وقتیکه این قانون وضع شد و در موضوع خودشان ممنوع شدند اسباب چینی میکنند از برای این که رفقای خودشان را بوزارت و مشاغل دولتی برسانند پس بواسطه یک همچو فرض گمان نمیکند که صحیح باشد یک همچو حقی را از نمایندگان محترم سلب بکنیم.

لواءالدوله - عرض کنم اگر چه بدبختانه این طرح بایستی یک سال قبل گذشته باشد و هیچ گمان نمیکردم که این اندازه طول بکشد و حالا که چهار ماه بیشتر بانقضای دوره تقنینیه باقی نمانده است بمجلس بیاید مقصود از این طرح این است که آن اشخاصی که ما را برای نمایندگی انتخاب میکنند قصدشان و غرضشان این نیست که ما حاکم و وزیر معاون بشویم کسی قبول نمایندگی ملت خودش را کرد قسم خورد و معاهده کرد و وارد این مجلس شد حق ندارد داخل در ادارات دولتی بشود و اگر قبول خدمات دولتی را کرد عقیده بنده این است که خلاف قسمی که خوده است کرده است بجهت این که او قسم خورده است که بوظایف وکالت عمل بکند عرض نمیکند اگر رفت بوزارت خانه خیانت میکند شاید خدمت بکند ولی آن بیچاره ها که او را انتخاب کرده است برای وکالت انتخاب کرده است نه از برای وزارت و اگر وکیل بعد از قبول نمایندگی بخواهد تغییر شغل بدهد خلاف امانت کرده است حالا اگر نخواهند بفرمایند که از نزاکت مجلس خارج است عقیده بنده این است که آن روزی که موکلین ما را انتخاب کردند نگفتند که باید با نزاکت رفتار بکنید همین نزاکت است که تا بحال ما را باین روز انداخته است و حال اینست که لباس بنده یک لباس است که نباید رأی بدهم با این پیشنهاد موافقت بکنم برای این که لباس بنده عمامه وردا نیست که رأی بدهم و آن وقت بگویند که نمایانم بفلان ملاحظه است که رأی داده است لباس بنده یک لباسی است که با شغل دولتی مناسبت دارد با وجود این عقیده بنده این است که وکیل کی از طرف ملت بنمایندگی انتخاب میشود استعفا از وکالت را باید زمانی بدهد که داخل وکالت نشده

است و نمایندگی را قبول نکرد. است و الا وقتی که قبول وکالت ملت را کرد در مجلس قسم خورد که من بوظایف وکالت عمل خواهم کرد بایستی که مشغول بوظایف وکالت خودش باشد استعفاء از وکالت بواسطه اینکه قوه ندارد ناخوش است ضعیف است نمیتواند از عهده انجام وظیفه وکالت خودش بر بیاید عیب ندارد در این صورت میتواند استعفاء بدهد و برود در خانه بنشیند ولی اینکه استعفاء بدهد بعد برود حاکم بشود معاون وزیر بشود وزیر بشود غلط است یعنی عقیده بنده اینست و این طرح لازم است که امروز تصویب بشود و از مجلس بگذرد تا این که جلو گیری از این خیالات بکند.

لسان الحکماء - از نقضه نظر عمومی این ماده مخالف بایستی از اصول مسلمه مشترکه و حقیقتاً مخالف باحریت و آزادی است (تورکو) که وزیر مالیه دولت فرانسه در تاریخ (۱۷۷۶) مسیحی مانند این ماده حکمی صادر کرد که مانع آزادی کار و شغل و صنعت بوده امروز ضرب المثل تاریخ و علم حقوق شده چنانچه با کمال تأسف بنده هم بهمین مناسبت اسم ایشان را ذکر کردم لکن طولی نکشید که این وزیر معزول شد و بلافاصله آن آزادی و حریت ممدوح عقلائی برقرار شد یکی از مواد اساسی علم حقوق و اصول مسلمه مشترکه دنیا آزادی شغل آزادی تجارت آزادی کار آزادی صنعت است و این ماده بقدری مخالف با این آزادی طبیعی است که بنده مذاکراتش را هم مخالف با نزاکت مجلس و خلاف مشروطه میدانم.

ادیب التجار - اولاً عرض میکنم آن ماده قانون اساسی هیچوقت این حق را سلب نمیکند از یک نماینده یا از یک مجلس شورای ملی بجهت این که با آن بیاناتی که چند نفر از نمایندگان ذکر کردند هیچ تصریح ندارد که این حق برای بعضی ثابت باشد که از مجلس خارج میشوند برای شغل دولتی تأییداً مطلبیکه در مجلس شورای ملی هر مملکتی صحبت میشود بنا بمقتضیات و مصالح آن نمخواهم بکنیم بنده هم چون عقیده ام با آقای لواءالدوله و مطالب را بزرگان همیشه با توصیه کرده اند که بی برده باید گفت مخصوصاً والا حضرت آقای نایب السلطنه بامکرر توصیه کردند که مطلبی را بفرمایند و جای برده بوشی هم نیست در این مملکت بجهت اینکه تجربه بیست ماهه وکالت بما حالی کرد که یک قسمت بزرگ از این اختلالاتی که در این مملکت حاصل شده است از این مسئله است یعنی عیوبات از اینجا از بعضی صندلیهای اینجا نشر بمملکت کرده است بنده همچو فهمیده ام از آن روزی که مجلس شورای ملی برپا شده است تا این زمان فقط یک یک عنوانی که کسی از اینجا مستعفی باشد حق دارد در بعضی از وزارت خانه ها مستخدم بشود دچار بعضی محظورات شده ایم که نتایج وخیمه حاصل شده امیدوارم آقایان نمایندگان باین وجدانی همراهی بکنند باین طرح آقای عزالدوله که ما این دورها با آخر برسانیم آنوقت مجلس آتی و وکلای آتی می آیند شاید صلاح را در این بدانند که این آزادی را بدهند که وکیل حق داشته باشد بعد از استعفاء کردن برود وزارت یا معاونت یا حکومت

کند یک جلو گیری بزرگی برای اینکار بنده میدانم اینکه گذشتن این طرح قانونی اینجامانده کرده شداگر یک قسمت خیلی کوچکی سوء استفاده کردند از اینکار چندان عیبی ندارد بنده عرض میکنم که یک قسمت بزرگی این سوء استفاده را باعث شدند و تمام اختلالات از اینکار شده است چه وظیف چه غیر موظف وکیل را بهمان بیاناتی که ذکر شد از آزادی که منتخب کرده اند برای حفظ حقوق مردم در این پارلمان در این تریبون در این میز نطق مبعوث کرده اند باین خیال از آنجا حرکت کرد باین خیال مردم او را انتخاب کرده اند که فقط حقوق آنها را در پارلمان حفظ کند و نظرات ملت را بنده مقدس میدانم یعنی باین عنوان که این نماینده و امین و محافظ حقوق ملت برای پارلمان انتخاب کرده اند پس اگر چنانچه این حق را بدهیم بنمایند و برای نماینده ثابت بکنیم که تا آخر مدت نمایندگیش در روی صندلی وکالت نشیند در حقیقت ظلمی بملت بیچاره کردیم چرا که ملت نظرش ب وکالت این شخص بوده نه چیز دیگری در یک شهری که صد هزار دویست هزار بیچاره هزار جمعیت بوده است یک نفری را ملت انتخاب کرده اند برای اینکه در پارلمان برود حفظ حقوق آنها را بکند دوسه ماهه که آمد بعد برود حکومت فلانجا را بگیرد رئیس فلانجا بشود این بکلی بانظر ملت منافی است و اینهم بکسی بر نمیخورد خلاف اشخاص موهوم را اگر ما تصور بکنیم خلاف نزاکت نیست پس عرض میکنم یک قسمت کمی سوء استفاده کرده اند و یک قسمت بزرگی سوء استفاده کرده اند و تجربه برای ما حاصل شده است و دیگر اینکه فوایدی برای این کار ذکر شد بنده عرض میکنم فواید خیلی هست سلب آزادی هم از هیچکس نمیشود ولی ما می بینیم ضررش بیشتر است از فوایدش اشخاصی را که برای معاونت و وزارت معین کرده ایم نادرست نیستند خیلی خوب و صحیح و امین هستند و لکن عده نظرم باین نکته است که مخالف بانظر ملت و منتخبین ما است باین جهت عرض میکنم که اگر این قانون را صلاح میدانند برای آزادی مملکت و آزادی حقوق عامه ملت عجالتاً سرای ابقاء نظم مجلس شورای ملی این سه چهار ماهه بگذارند این قانون بگذرد مجلس آتی باید اگر مقتضی ندانست تغییر خواهد داد اختیار از دست مجلس نگرفته اند.

معزز الملک - درموقع قانونگذاری ممکن است انسان یک نظر بدی داشته باشد یک نظر خوب اگر تمام قوانین مملکتی را از نظر بدی از نظر سوء ظن بگذارند آنوقت کار منجر باین خواهد شد که قوانینی که وضع شود که در هیچ جای عالم وضع نشده باشد مقنن همیشه وقتی که قانون میگذارد نباید تصور کند که تمام اهالی مملکت دارای سوء اخلاقی هستند که حتماً بوضع این قوانین باید از آنها جلو گیری شود و بنده خیلی تمجب میکنم که وقتیکه یک قانونی می آید بمجلس غرض اینست که خیلی ساده بگذرد می آید یک اظهاراتی میکنیم و منجر میشود بجاهائی حتی خودمان را هم در انظار مردم بدنام بکنیم و چیزها میگوئیم که هیچ وجود خارجی ندارد مثلاً یکی از نمایندگان می آید میگوید که تمام معایب این مملکت این بوده است که این قانون نگذشته بوده است

بعبارت آخری یک چند نفری از نمایندگان این مجلس سایرین را آلت خودشان قرار داده اند بجهت اینکه بکنند یکدیگر دیگر آلت مقصود خودشان بکنند تا اینکه بخیالات خودشان برسند و من در اینجا میتوانم اظهار بکنم و از طرف خودم و بلکه عده همراه دارم که بنخواستم کسی را آلت دست قرار دهم و نه آلت دست کسی واقع شده ام قانون هم که وضع میشود نه فقط برای دوره ما است قانون وقتی که گذاشته میشود برای یک مدت غیر معین است تا وقتیکه آن قانون هست قانونیت خواهد داشت و اینجا هم اسم لباس نبرند بجهت اینکه اظهاراتیکه میشود از روی کمال صمیمیت است و هیچ مقصودی ندارند پس اینکه این مسئله را رد میکنند اینجا دو مسئله است یکی خوب و بدی خود قانون است و ثانیاً موافقت یا مخالفت با قانون اساسی که این قانون آیا موافق است با قانون اساسی یا مخالف است زیرا فرض بفرمایید یک قانونی باشد که خیلی خوب هم باشد ولی تا وقتیکه مخالف باین ماده قانون اساسی شد با وجود اینکه اتفاق مجلس تصویب کند چون مخالف است با قانون اساسی نباید همچو قانونی بگذارند بجهت اینکه مخالف است با قانون اساسی حالا باین قانون نمیدانم بانظر کدام قانون نگاه کرد اگر بنظر یک نظامنامه داخلی را نگاه بکنیم که آنهم همین طوریکه اینجا گفته شد یک چیز سهلی است اولاً نظامنامه داخلی همه میدانند یک تکالیفی تعیین میکنند چنانچه اصل ۱۴ قانون اساسی این را تعیین کرده است برای طرز جریان امور در مجلس و بهیچوجه از وجوه بعقوبت نمایندگی نمیتواند دست درازی بکند علی الخصوص که آن قسمت آخر که هیچوجه مخالفت نمیتواند مربوط بنظامنامه داخلی باشد بجهت اینکه وقتیکه نماینده خارج شد از مجلس دیگر اطاعت نظامنامه داخلی برای او لازم نخواهد بود پس باید یک محملی پیدا کرد برای این قانون و معلوم باشد که این قانون در ضمن کدام قانونها باید باشد شاید بعضی بگویند در ضمن نظامنامه انتخابات باشد آنوقت این یک چیز غریبی میشود نظامنامه انتخابات برای رسیدن بیک مقامی است یعنی شرایطی را که باید انسان داشته باشد برای رسیدن بیک مقامی معین میشود و این قانون یک شرایطی را معین میکند برای بعد از انتخاب شدن پس باین دلیل هم که عرض میکنم این قانون انتخابات نمیشود و این قانون را باید بنظر یک قانون مستقلی نگاه کرد که مداخله میکند در حدود و اختیارات قانون اساسی و همه تصدیق خواهند کرد که قوانین مملکتی بدو قسمت منقسم میشود یکی قوانین اساسی است یکی قوانین عادی و معمولی در سایر جاها در قوانین اساسی خودشان طریق تجدید نظری در قانون اساسی خودشان را هم معین کرده اند ولی بدبختانه در قانون اساسی ما این طریق هیچ منظور و پیش بینی نشده است و بهیچوجه نمیدانم اگر بر فرض بعد هامیچور شویم که یک جرح و تعدیلی در قانون اساسی بکنیم از چه راه جرح و تعدیل بکنیم و علی ای حال می شود گفت این حق متعلق بمجلس شوری نیست که مواد قانون اساسی را بتواند جرح و تعدیل بکند

و تا وقتیکه برای این یک طریقی تعیین نشود هیچ نمیتواند مجلس شورای ملی تجدید نظر در آن بکند بر فرض هم یک قانونی با توافق از مجلس شورای بگذرد بر فرض مخالفت با قانون اساسی قانونیت نخواهد داشت و باین دلیل باید رجوع بکنیم بخود قانون اساسی چنانچه در کلیه قوانین اساسی تمام عالم هست که برای بعضی چیزها منجمه برای نمایندگان و مجلس یک حدودی معین میشود و هیچکس نمیتواند از آن حدود تخطی کند در قوانین اساسی مثلاً برای سلطان برای مجلس برای وکلاء برای وزراء یا برای سایر ادارات دولتی حدودی که معین شده است که حالا ممکن است کسی مخالف با مواد و تکالیف معینه در قانون اساسی باشد ولی تا وقتیکه از راه مشروع از راهی که قانون برای تجدید نظر در قانون اساسی معین کرده است داخل نشود نمیتواند جرح و تعدیل بکند حقوقیکه برای اعضاء مجلس در قانون اساسی تعیین شده است راجع میشود باصل ۱۲ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ قانون اساسی که در آنجا یک حقیقی بآنها داده است منجمه در اصل ۳۳ میگوید چنانچه یکی از وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفسل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود « خوبست قدری دقیق شویم در این ماده که این ماده چه میگوید ابتداء تصویب کرده است استخدام در ادارات دولتی را ضمناً باید عرض کنم که شاید خیلی از نمایندگان باشند که در خیلی از مواد قانون اساسی نظر اتی داشته باشند ولی تا وقتیکه آن قانون اساسی است مجبورند که آنرا اطاعت کنند حالا ببینیم قانون اساسی چه میگوید این اصل قانون اساسی میگوید چنانچه یکی از وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود رو اینقسمت ماده قانون اساسی شاید هم غلط باشد ولی رو اینقسمت از این ماده هیچ مخالفتی ندیده است ما بین وکالت و قبول کردن شغلی در ادارات دولتی چرا بجهت اینکه میگوید « چنانچه یکی از وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود پس تجویز کرده است که نمایندگان میتوانند در ادارات دولتی مستخدم بشوند منتهی استخدام دوشوق دارد یا موظف است یا غیر موظف شوق اول را قانون اساسی بطور کلی تجویز کرده است چنانچه مدلول این ماده این است که میتوانند در ادارات دولتی خدمت بکنند ولی موظفاً نمیتوانند خدمت بکنند پس هم تصویب کرده است که بتوانند خدمت بکنند و هم بدون وظیفه خدمت بکنند و باره هم عرض میکنم ممکن است بگویند این ماده خیلی بد است و بواسطه تجربیاتی که حاصل شده است خوب نباشد ولی این ماده همین است که هست و غیر از این نیست حالا همانطوریکه عرض کردم ممکن است اغلب این ماده را تصویب بکنند ولی ما حق نداریم و مجلس شورای ملی حق ندارد که قانون اساسی را تصریح بکند زیرا باید کسی تصحیح کند این ماده را که حق داشته باشد علی الخصوص که در یک قسمت اخیر این ماده میگوید مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود» پس باز هم خوب است رجوع

کدام انصاف است اینستکه در خاتمه عرض میکنم که اولاً این طرح مخالف قانون اساسی است ثانیاً با روح مشروطیت ثالثاً با آزادی شغل و کار رابعاً این طرح مخالف است با انصاف و فقط این از یک نظر تنگی نوشته شده است و برای ۴ ماه و قانون باید از یک نظر بزرگ مملکتی گذارده شود که شامل سال های سال باشد.

نایب رئیس — مذاکرات کافی است (بعضی گفتند کافی است)

آقاسید حسن مدرس — کافی نیست يك کلمه مانده است که باید مذاکره شود.

نایب رئیس — دوفقره پیشنهاد شده است که بر تمام مذاکرات حق تقدم دارد آن اینستکه رجوع بشود بکمیسیون تفسیر معلوم شود که این طرح مخالف با قانون هست یا مخالف نیست تصور میکنم که تمام این مذاکرات بدون رجوع بکمیسیون تفسیر زیادی است این را ما رجوع می کنیم بکمیسیون تفسیر اگر کمیسیون تفسیر تصدیق کرد که مخالف نیست آنوقت در ثانی داخل مذاکره می شویم و رأی خواهیم گرفت و گمان میکنم که این مسئله محتاج برای گرفتنش هم نیست در مطلبی که مخالفت آن با قانون اساسی مذاکره میشود باید معین شود که منافی قانون اساسی هست یا منافی نیست - دستور روز شنبه ۲۶ - راپورت کمیسیون بودجه راجع بورته سید حسن و میرزا اسمعیل مجاهد (۲) بودجه مجلس (۳) شور دوم ماده ششم قانون اوقاف (۴) راپورت کمیسیون بودجه در خصوص رخساره خانم (۵) راپورت کمیسیون فوائد عامه در باب استخدام مستخدمین خارجه برای وزارت پست و تلگراف (مجلس نیمساعت از ظهر گذشته ختم شد) باصورت مشروح پس از ملاحظه نمایندگان محترم و تصحیح حضرت آقای آقامیرزا قاسمخان مقابله شده صحیح است محل امضاء محمدحسن

جلسه ۲۶۴

صورت مشروح روز شنبه ۲۶ شهر

جمادی الاخری ۱۳۲۹

آقای رئیس مؤتمن الملک سه ساعت و نیم قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس نموده سه ساعت و ربع قبل از ظهر مجلس رسماً منعقد گردید آقا میرزا رضاخان نائیبی صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۴ راقرائت کردند.

اسامی غائبین جلسه قبل از قرار ذیل قرائت گردید.

آقایان ناصر الاسلام — حاج شیخ رئیس بدون اجازه.

آقایان وحیدالملک - آقا شیخ محمد خیابانی حاج آقا - میرزا اسدالله خان کردستانی - هشترودی حاج میرزا رضاخان با اجازه غائب بودند.

آقایانیکه بوقت مقرر حاضر نشده اند آقای افتخار الواعظین نیم ساعت.

آقای آقاسید محمدباقر ادیب ۳۵ دقیقه

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست؟ (اظهاری نشد).

رئیس — صورت مجلس تصویب شد — آقای ارباب از وزارت مالیه سئوالاتی داشتید بفرمائید.

مجلس شوری یاسنا باشند قطع نظر از اینکه این طرح بر خلاف مشروطیت است و قطع نظر از اینکه این قسمت از طرح آقای عزالملک جلو گیری میکند که هیچیک از نمایندگان نتوانند داخل در تأسیسات نافع علمی از قبیل شورای معارف و کادیمی ها و مجامع و حفظالصحه وغیره که در آنها داخل بودن شان غیر از منفعت هیچ ضرر دیگری ندارد و غیر از اینها طرح آقای عزالملک مخالف با آزادی شخصی است باز با تمام اینها به بنیم این طرح برای ما منفعت دارد یا ندارد امروز اینهمه میگویند که این طرح خیلی خوب است حالا بنده مخالفت با قانون اساسی را کنار میگذارم مخالفت با روح آزادی را کنار می گذارم مخالفت با این مطالب و جلو گیری از این ترتیبات که عرض کردم کنار میگذارم باز به بنیم که این قانون در این مملکت صلاح هست یا صلاح نیست بنده عرض میکنم که صلاح نیست وجهش این است که در یک مملکتی که اشخاص کاری آن محدود است در یک مملکتی که اینهمه احتیاج باشخاص بصیر لایق دارد دیگر اینقسم طرح هارا پیشنهاد کردن حقیقتاً خلاف انصاف است شما اگر اشخاصی دارید که اگر در هر جائی باشند از خود آنها استفاده خواهید کرد چنانکه عملاً این مسئله ثابت شد و اشخاصی بودند که شما وجود آنها را مقتض می شمارید که در کابینه اول بودند و بعد که رفتند در خانه شان آرام نشستند بهیچوجه متوسل با قدمی نشدند که دورتیه بیایند بصدلی و کالت به نشینند شما وجود آنها را یک اکثریت قریب با تفاق لازم داشتید رفتید آنها را آوردید بعد از آن باز یک مدتی که اشغال صدلی و کالت را می کردند و خدمت بملت و مملکت میکردند باز برای پیشرفت کار مجبور شدند آنها را داخل کابینه بکنید گویا فراموش شده است که بعضی اوقات میشده است که شما کمیسیونی را معین میکردید که ۴۸ ساعت به نشینند و در صدد پیدا کردن یک نفر برای وزارت باشند تا اینکه بعد از تجسس زیاد باز مجبور میشدید یکی از کسان لایقی را که در مجلس داشتید بوزارت منصوب نمائید و همان استفاده را که از وکالت آنها میکردید همان استفاده را در وزارت از آنها بکنید پس در مملکت ما که اشخاص لایق آنرا باید بانگشت شمرد این طرح قانونی بر خلاف وضع و صلاح مملکت است و حالا يك نکته دیگری هم هست که در قسمت آخر این طرح است نظر تمام نمایندگان محترم می رود بوزارت یا معاونت در صورتیکه قانون کلی است میگوید « هیچیک از مشاغل دولتی را نمیتواند قبول بکند » بنده يك مثالی میزنم آنوقت ببه بنیم نمایندگان تصدیق خواهند کرد یا نخواهند کرد فرض بفرمائید یکی از آقایان رئیس اوقاف یا رئیس عدلیه شیراز بوده است آنوقت وکیل شد و یک نفر کفیل خانواده معین کرده است آمد اینجا با کمال میل و صمیمیت که خدمت بملت بکند دو ماه اینجا وکیل بود و بعد از دو ماه آن شخص که کفیل خانواده و کارهای او بود مرد و این بواسطه کمالت خانواده خودش مجبور است بر گردد بشیراز آیا کدام انصاف میگوید که این شخص از رسنگی باید ببرد و هیچ شغلی را قبول نکند برای اینکه تقصیری که این بدبخت کرده يك وقت شغل نمایندگی را پذیرفته است این مسئله مطابق کدام وجدان و

بکنیم بجمله قسمت اخیر از این ماده تجویز کرده است که يك نماینده پس از يك مدتی نمایندگی داخل شود در خدمت دولتی ولی اگر موظف شد از شغل خود استعفاء میدهد قسمت اخیر این ماده قانون اساسی بکلی منافی است با قسمت اخیر این ماده بجهت آنکه این ماده میگوید که تا وقتیکه تمام دوره تقنینیه طی نشود هیچیک از مشاغل دولتی را نباید قبول بکند در صورتی قانون اساسی اجازه میدهد که کسیکه در يك دوره اول وکیل شود يك مدتی در مجلس بماند آن وقت اگر يك خدمتی در ادارات دولتی قبول کرد و بعد استعفاء داد و مردم او را انتخاب کردند باز حق داشته باشد که وکیل بشود پس در صورتی که قانون اساسی در يك دوره وکالت سه شغل را اجازه میدهد کدام نماینده است که بگوید در يك دوره تقنینیه پیش از يك شغل را حق ندارد دارا شود و بنده عرض میکنم هیچ این قانون نمیتواند در مجلس مذاکره شود بجهت اینکه ما میدانیم کایه قوانینی که در مجلس میتوانند بیایند و ممکن است در آن داخل شور نشد باید دو اساس داشته باشد که هر يك از قوانینی که در روی آن دو اساس نباشد ابداً قانونیت ندارد یکی از آن دو اساس عدم مخالفت با شرع انور است و یکی دیگر عدم مخالفت با قانون اساسی است که هر يك از قوانینی که بمجلس بیاید محض اینکه بتواند مطرح بشود باید روی این دو ستون ایستاده باشد و الا قانونیت نخواهد داشت برای اینکه در این ماده بشود رأی داد باید اینرا حل کرد که مخالف است با قانون اساسی یا خیر حالا رجوع میکنیم باین ماده و در این ماده قانون اساسی عبارت اتفاقاً طوری واضح نوشته شده است که هیچ احتیاج به تفسیر ندارد که از راه تفسیر این حق را بدیم بمجلس واضح است و ساده و اگر نمایندگان این را محتاج به تفسیر میدانند باید این ماده تفسیر بشود تا وقتیکه بتواند این قانون هم در مجلس مطرح مذاکره شود حالا در باب خود این قانون نظری که مدافعین دارند این است که میگویند که بواسطه يك سکونتی که در امور مملکت پیدا میشود بعبارت ریکی که بنده میخواهم عرض بکنم وقتی که نمایندگان يك ملتی که بقول یکی از نمایندگان میخواهند مقام وکالت را يك پله قرار بدهند برای رسیدن بيك مقام عالیتری پس از آنکه بواسطه گذشتن این قانون مایوس از رسیدن بشغلی شدند آنوقت دیگر امور مملکتی اصلاح شده حال سکونتی در کارها پیدا خواهد شد بنده عرض میکنم برفرض چنین نماینده کافی در مجلس پیدا شدند وقتیکه مایوس شدند که برای خودشان نمیتوانند کار بکنند برای سایرین که خارج از مجلس هستند کار خواهند کرد زیرا اگر اخلاق ما باین درجه رسیده باشد آنوقت هیچ فرق نمیکند که من اگر با سبب چینی بتوانم خودم را برسانم بيك مقامی هیچ محتاج نیست باینکه من داخل در مجلس باشم من ممکن است در خارج باشم و آن طرفداران من در مجلس برای من کار بکنند این جلو مرا نخواهد گرفت و حالا قطع نظر از این که این ماده قانونی مخالف است با اصل مشروطیت عرض میکنم که در تمام عالم بسی تجربیات زیاد دیده اند که بهترین ترتیب مشروطیت این است که وزراء از اعضاء